

میزگرد با حضور پنج تن از اعضای کمیسیون تلفیق
به بهانه تصویب نهایی برنامه دوم

■ فردای ایران از نگاه برنامه دوم

میزگرد با شرکت:

- * آقای حبیب‌الله عسکراولادی مسلمان، نماینده تهران و رئیس کمیسیون تلفیق برنامه دوم
- * آقای مهندس محمدرضا باهنر، نماینده تهران و عضو هیأت رئیسه کمیسیون تلفیق
- * آقای دکتر محمدباقر نوبخت، نماینده رشت و عضو هیأت رئیسه کمیسیون تلفیق
- * آقای مهندس عبدالله نوروزی، نماینده ملایر و عضو کمیسیون تلفیق
- * آقای مهندس سیدمحسن بخیوی، نماینده تهران و عضو کمیسیون تلفیق

رتال جامع علوم انسانی

اشاره

برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، که در سال ۱۳۷۲ به مجلس تقدیم شده بود، پس از طی مراتب و مراحل گوناگون و بحثها و بررسیهای متعدد، سرانجام در جلسه علنی روز یکشنبه ۷۳/۹/۲۰ مجلس شورای اسلامی، با اصلاحاتی تصویب و به تأیید شورای محترم نگهبان رسید و در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم قانون اساسی، به دولت ابلاغ گردید. برنامه دوم در چارچوب رهنمودهای حکیمانه مقام معظم رهبری مبنی بر رعایت حرکت به سمت عدالت اجتماعی، تعدیل اقتصادی و توجه به قشرهای کم درآمد و ضعیف جامعه و اتخاذ تدابیر عملی در برابر شیخون تهاجم فرهنگی، در سه فصل طراحی شده است. در فصل اول، اهداف کلان کیفی، خظمشی‌های اساسی و سیاستهای کلی قانون تنظیم شده، در فصل دوم ذیل ماده واحده، مشروح یکصد و یک تبصره موضوعی قانون آمده و در فصل سوم، هدفهای کمی کلان در برنامه دوم، منضم به ۱۴ جدول تدوین و کلاً جهت اجرا به دولت ابلاغ گردیده است.

مجلس و پژوهش به مناسبت تصویب نهایی برنامه دوم میزگردی با حضور پنج تن از اعضای کمیسیون تلفیق برگزار نمود. توجه خوانندگان گرامی را به شرح کامل این میزگرد جلب می‌نماییم.

گزارش ویژه

بدهید نخستین پرسش را از جناب آقای عسکراولادی سؤال کنیم، عزیزی که به لحاظ پیشینه درخشان و نقش والایی که در روند شکل‌گیری انقلاب داشته‌اند و ایثارگریهای حضرتشان برای سازماندهی‌های حیاتی پس از انقلاب، حقی معلوم برعهده انقلاب دارند.

جناب عسکراولادی! اگر قرار باشد جنابعالی در یک صفحه، برنامه دوم را به تصویر بکشید، آن را چگونه ترسیم می‌فرمایید؟ در واقع خطوط کلی و اصلی برنامه را چگونه می‌بینید؟

آقای حبیب... عسکراولادی: ابتدا لازم است از شما و دیگر عزیزان که در مرکز پژوهشها، همکاریهای بسیار شایسته‌ای را با کمیسیون تلفیق داشته‌اید و مددهای فراوان و مستمری که فرموده‌اید، تشکر و سپاسگزاری کنم. زمینه‌ای را که دولت، به عنوان لایحه به مجلس تقدیم کرده بود، زمینه آهنگ پنجساله «تعدیل» بود و این که در پنج سال آینده، برنامه تعدیل‌مان - با تعاریف قابل قبول و مورد پذیرش کمیسیون - باید چه آهنگی داشته باشد. رهنمودهای حکیمانه و عالمانه مقام معظم رهبری، بر تارک این برنامه قرار گرفت که طرح تعدیل را مزین نمود به «عدالت اجتماعی». روحیه حاکم بر مجلس هم این بود که میان «تعدیل» و «عدالت اجتماعی»، بتوان برنامه دوم را به طرفی هدایت نمود که تعادل واقعی بین

□ مجلس و پژوهش: برنامه دوم، ره‌آورد دوره خاصی از تاریخ برنامه‌ریزی در کشورمان است که فراز و نشیبهای را از هنگام تقدیم لایحه به مجلس (۷۲/۹/۳۰) تا زمان قانونی شدن آن (۱۳۷۳/۹/۲۰) طی کرده و پس از آن همه دقت نظر و پرداختن به جزئیات، نهایتاً در کمیسیون تلفیق پیراسته گردیده و با اصلاحاتی به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی و سرانجام تأیید شورای نگهبان رسیده و در اجرای اصل ۱۲۳ قانون اساسی، جهت اجرا به دولت ابلاغ گردیده است.

در این فرآیند، جایگاه بسیار حساس کمیسیون تلفیق و نقش ویژه و ارزنده آن در روند شکل‌گیری و سامان‌یابی این برنامه، چشمگیر و به تعبیر صاحب‌نظران، ادای یک رسالت تاریخی بود که به نحوی شایسته با توفیق قرین گردید.

حساسیت خاص این برنامه در این مقطع از حیات انقلاب، مرکز پژوهشها را بر آن داشت تا از تنی چند از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که نقشی کارشناسانه، هدایتگر و مؤثر در کمیسیون تلفیق داشتند، دعوت نماید تا در میزگردی ضمن بحث و اظهارنظر، درخصوص پاره‌ای از ابهامات، توضیحات لازمه را ارائه نمایند.

ضمن تشکر از عزیزانی که در این میزگرد شرکت فرموده‌اند، اجازه

مردم ظهوری خواهند یافت که یقیناً نتیجه بخش خواهد بود. دقت بفرمایید که چه نکته حکیمانه در این فرمایش مطرح می شود. ابتدا حضور، سپس ظهور؛ و مثال می زدند که در آغاز دفاع مقدس، مردم حضور پیدا کردند، ولی در بحبوحه دفاع، این حضور مبدل به ظهور شد. ظهور در عرصه های جنگ، در ارکان و ابعاد کشور و نهایتاً ساحت های بین المللی.

بنابراین، برنامه ای می تواند متقن و مستمر باشد که با نقش حضور مردم آغاز شود تا مردم اجازه ظهور بیابند. تا آنجا که من شاهد تلاش کمیسیون تلفیق بودم، این گرایش سرنوشت ساز را در مجموعه گزارشها و تصمیمات آن، احساس می کردم که اغلب آنان در کمیسیونهای تخصصی متعدد، با تمام اعتقاد و دانش و احساس عمیق مسئولیت و درک رسالت تاریخی و تکلیف شرعی خود، تلاش می نمودند که مردم، در برنامه دوم حضوری جدی برای ظهوری شایسته داشته باشند. برای شخص من، خدمت در کمیسیون تلفیق یک توفیق و یک افتخار بود و از نمایندگان محترمی که سبب این توفیق شدند، صمیمانه تشکر و قدردانی می نمایم.

□ مجلس و پژوهش: حاج آقا
عسکراولادی چارچوب جامع و
مناسبی را برای برنامه مطرح
فرمودند. البته مرکز پژوهشهای
نظرسنجی از مردم در سطوح
مختلف سنی، دانشی و شغلی، به
نتیجه ای ناخوشایند رسید و ملاحظه

بخشهای اقتصادی برقرار شود و حرکت به جانب توزیع عادلانه درآمدها و سامان بخشیدن به حرکت رفاهی جامعه (به سمت یک رفاه عمومی قابل قبول) مقدور و میسر گردد. شاید سنگینی بار وظیفه کمیسیون تلفیق، همین سمتگیری خاص باشد که باید بین «تعديل» و «عدالت اجتماعی» و «تعادل بین سه بخش اقتصادی»، حرکت را طوری سامان بدهد که به هدفهایی که مقام معظم رهبری در رهنمودهایشان ارائه فرمودند، نائل بگردد.

از ورود به جزییاتی که نیاز به مقدماتی همراه با بحثهای فراوان کارشناسی دارد، پرهیز می کنم و موردی را مشخصاً بیان می دارم که برای مدخل مباحث این میزگرد می تواند محوری باشد و آن لزوم تعادل بین بخشهای اقتصادی در برنامه پنجساله دوم است. در جهت نیل به این ضرورت، حجم دولت باید به اندازه ای محدود شود که حضور مردم به صورت تعاونی یا به شکل بخش مردمی فعال، جای مناسب خودش را در کل حرکت به شایستگی بیابد.

امام راحلیمان (ره) در یک فرصتی فرمودند که آن ملتی موفق است و آن نظام مردمی می تواند مستمر و برقرار باشد که به مردم اجازه حضور بدهد. به این ترتیب،

برنامه‌ریزان است و از مسائل داخلی تأثیر می‌پذیرد و پاره‌ای دیگر از مقوله حدسیات و تحلیل است و اینکه در چه نقطه‌ای ثابت و ساکن می‌شود، این بر می‌گردد به عوامل و پارامترهایی که بعضاً در اختیار برنامه‌ریزان نیست.

از طرف دیگر این نکته مورد تأکید را در دستور کار خود داریم که با مردم درباره کارهای انجام شده صحبت کنیم و آنها را در جریان امور انجام یافته قرار بدهیم و کمتر در مورد کارهای در جریان انجام و یا کارهای آینده، به آنها اطلاعات تبلیغاتی برسانیم.

مسئله عدم تبلیغ روی وعده و وعیدها و کارهای آینده، از نظر روانشناسی اجتماعی بسیار حائز اهمیت است. البته این ساختار برنامه است که به مردم باید گفت که در آینده چه باید کرد و چه می‌خواهیم بکنیم و از سوی، مردم چه باید بکنند تا همسویی شایسته بین مردم و برنامه‌ریزان برقرار بشود. به انتظارات مردم و انتظارات برنامه‌ریزان، به صورت جدی و از هر دو سوی برنامه، باید توجه بشود تا یک همگونی و همراهی بین مردم و دستگاه‌های اجرایی به وجود بیاید تا بتوانیم به آن نقطه‌ای که هدف‌گذاری کرده‌ایم، برسیم. همان طور که جناب آقای عسکراولادی توضیح دادند، ما در برنامه دوم سعی کرده‌ایم «سرعت حرکت» به سوی تعدیل را، تعدیل کنیم و برای آنکه به آخرین نقاط اهداف دست بیازیم، باید یک مقدار آن را

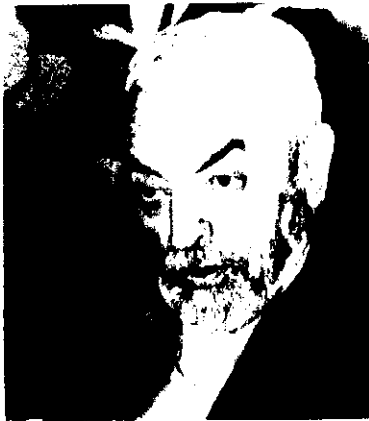
شده که متأسفانه سطح اطلاعات مردم از برنامه دوم، بسیار اندک و پایین است.

این نشانگر آن است که مردم هنوز توجیه نشده‌اند که محور و اصول و سمت و سوی اهداف برنامه دوم، چیست؟ البته شاید این نظرسنجی کمی زود بوده ولی به هر حال همین نظرسنجی در این مقطع زمانی، نمایانگر این واقعیت است که مردم، حتی دستگاهها و بخشهای واقعی از اهداف و رسالتهای برنامه دوم، آگاهی زیادی ندارند. اجازه بدهید برگردیم به خطوط کلی برنامه دوم.

جناب آقای مهندس باهنر! اگر شما بخواهید در یک تصویر، برنامه دوم را برای مردم ترسیم کنید تا هر شهروندی بتواند با آن ارتباط ملموس و روشنی پیدا کند، چه تصویری ارائه خواهید نمود؟

آقای مهندس محمدرضا باهنر: ابتدا لازم است به یک نکته مهم اشاره کنم و آن اینکه برنامه دوم، یک «هدف‌گذاری» است و مقدار زیادی از مسائل برنامه، پیش‌بینی‌هایی است که بر اساس تصمیمات مختلف و سیاست‌گذاری‌های گوناگون انجام می‌شود. هنر اصلی برنامه‌ریزان این است که روشها و سیاستهای اجرایی را طوری طراحی نمایند که با حداقل تخمین بتوانند به هدفهای از پیش تعیین شده برسند.

بررسی از این اهداف، در دست



میزگرد

طولانی تر هدف‌گذاری نماییم. طبیعی است که این «کند کردن سرعت حرکت»، ضمن در برداشتن نکات مثبت، احتمال دارد دارای نکات منفی هم باشد.

به این ترتیب و در مجموع می‌توانم بگویم که برای وضعیت اقتصاد خانواده در برنامه دوم، ما سعی کرده‌ایم حداقل نیاز یک خانواده ایرانی را تأمین بنماییم. البته، برنامه و برنامه‌ریزان هم از مردم انتظار دارند که یک خانوار حداکثر تلاش بایسته و شایسته خود را در جهت افزایش سطح سقف تولید خدمات و تولید کالا، بالا ببرد تا اینکه بتوانیم نهایتاً به یک تعادل مقبول در سطح برنامه برسیم. سهم ما این بوده و هست که حداقل نیازهای اصولی اقتصاد خانواده را تأمین نماییم و خود را در اجرا و انجام این سهم، متعهد و موظف می‌دانیم اما، از آن طرف هم انتظار بر این است که خانوار نسبت به تکلیف و وظیفه خود که تولید و صرفه‌جویی است توجه داشته باشد تا تعادلی دو سویه، در جهت ایجاد اعتدال برقرار گردد.

من اگر بخواهم در چند جمله تصویری از برنامه دوم ارائه بدهم، می‌توانم به اختصار بگویم که در برنامه دوم، هدفگذاری این است که تراز بازرگانی ما، به میزان ده میلیارد

حبیب‌الله عسکراولادی مسلمان،
نماینده مردم تهران و رئیس
کمیسیون تلفیق برنامه دوم:

* برنامه‌ای می‌تواند متقن و
مستمر باشد که با حضور مردم
آغاز شود تا مردم اجازه ظهور
بیابند. تا آنجا که من شاهد تلاش
کمیسیون تلفیق بودم، این
گرایش سرنوشت‌ساز را در
مجموعه گرایشها و تصمیمات
آن، احساس می‌کردم.

* خصوصی سازی در فرهنگهای
شرقی و غربی، معنایی دارد که
با فرهنگ اسلامی ما مغایر است.
در اقتصاد اسلامی،
خصوصی سازی، همان حضور
مردم است.

صادرات منابع غیرنفتی را، طراحی کنیم و در دستور کار خود قرار بدهیم. باید بعضی از منابع پایان پذیر خود را به یک سری منابع تجدید شونده مبدل نماییم. این جایگزینی از الزامات برنامه های آتی ما خواهد بود تا از قبل آن بتوانیم به روند جاری امور مملکت خود، بهتر و بیشتر برسیم. بر همین اساس ما محوریت توسعه را در بخش اقتصادی برنامه دوم، «آب و کشاورزی» قرار دادیم، چون تصور بر این است که در این دو بخش از مزیت های ممتاز و درخور توجهی برخوردار هستیم. بنابراین در برنامه دوم در بخش توسعه صنعت، کمی با سست خواهیم کرد و با تأمل بیشتری در این بخش فعالیت خواهیم نمود. زیرا به حد کافی در این بخش، در طول برنامه اول سرمایه گذاری شده و هنگام بازدهی آنها هم فرارسیده است. اگر همان مقدار سرمایه ای را که در بخش صنعت هزینه کرده ایم - که میزان بسیار قابل توجهی هم بوده - به بهره وری برسد (که باید برسد)، علاوه بر اداره خود، با پویایی می تواند زایا هم باشد و برای سایر بخشها نیز تأمین ارز و امکانات بنماید.

واقعیت قضیه این است که صنعت اگر هنری دارد، باید با همین منابع تزریق شده در برنامه اول، که عمده منابع ما محسوب می شده و رقمی حدود ۳۴ میلیارد دلار را به خود اختصاص داده، بتواند خودش را به عنوان منابع تجدید شونده اداره کند و

دلار، مثبت بشود، یعنی مجموعاً صادرات ما، ۱۰ میلیارد دلار بیش از واردات ما باشد و مقدار ۸ میلیارد دلار از بدهی های به وجود آمده در برنامه اول را که برای ایجاد ظرفیتهای توسعه، هزینه یا سرمایه گذاری شده، در طی برنامه دوم مستهلک نماییم که برای حصول به این فرآیند، طبیعی است که امر صرفه جویی در اولویت قرار می گیرد.

کالاهای کوبنی را همانند سال ۷۲، در برنامه دوم پایدار کرده ایم تا حداقل مواد، غذا و کالاهای اساسی مردم را با قیمت مناسب و ارزان، در اختیارشان قرار دهیم. میزان صادرات غیرنفتی ما، حتماً باید سهمش در صادرات ما بالا برود. چون به هر صورت منابع نفتی ما محدود است و اگر طبق پیش بینی های کارشناسان، خوب عمل کنیم، حداکثر ظرف دو برنامه آینده، می توانیم روی درآمدهای نفتی حساب باز نماییم. طبق محاسبات انجام شده در برنامه دوم، حداکثر ۷۰ میلیارد دلار و در برنامه سوم هم، بیش از ۴۰ یا ۵۰ میلیارد دلار درآمد نفتی خواهیم داشت. با این ترتیب، در برنامه چهارم مقوله ای به عنوان درآمد نفت، از برآوردهای ما خارج می شود و نمی شود رویش حساب کرد، زیرا اگر تولیدی هم داشته باشیم (که حتماً داریم)، به اندازه مصرف داخلی ما خواهد بود که احتمالاً به حد صادرات نخواهد رسید.

ما با مجال و وقتی که داریم، باید در فاصله این دو برنامه، طرح جایگزینی

برنامه اول، متأسفانه متوجه حسابی به اسم «کسری پنهان» در برخی دستگاههای اجرایی شدیم که به نام «حساب ذخیره تعهدات» به بودجه تحمیل شد و ما تلاش کردیم در برنامه دوم، این قبیل حسابها نه وجود داشته باشد و نه نمونه‌هایش به وجود بیاید. یعنی به طور کلی نه به صورت آشکار و نه پنهان و نه تحت هیچ اسم و عنوانی، کسری بودجه نباید داشته باشیم.

- در مورد لغو انحصارات غیر ضروری تمامی بخشها: تعادل در سه بخش اقتصادی در برنامه دوم، برای ما مهم بوده است و ما سعی کرده‌ایم در بخشهای دولتی، تعاونی و خصوصی به یک تعادل قابل قبول برسیم و بر این اساس، طبیعی است که باید حجم دولت بیش از پیش کاهش پیدا کند تا به رشد منفی برسد. بر همین اساس انحصارات غیر ضرور هر بخش را، اعم از دولتی، تعاونی یا خصوصی که به سیاست‌گذاری کلان مملکت، اصلاً ارتباط ندارد مکلف کردیم به طور کلی حتماً باید لغو بشود.

در بخش تولید کالاهای اساسی، هدفهای خوبی در نظر گرفته شده؛ با پیش‌بینی‌هایی که در بخش کالاهای اساسی کردیم، مثل گندم، غلات و شاید شکر (در صورت راه‌اندازی پروژه‌های خوزستان) باید تا پایان برنامه دوم به خودکفایی کامل برسیم.

- در مورد برق: رشد سرمایه‌گذاری در بخش برق و کارهای زیربنایی را هم در حد حفظ وضع موجود و رشدی به اندازه مصرف و جمعیت کشور در طول برنامه، پیش‌بینی

سهمش را تا پایان برنامه اول، در تولید ناخالص داخلی ادا و تراز بخش صنعت را حتماً در پایان برنامه دوم مثبت نماید.

در مورد سایر محورهای عمده مورد توجه برنامه، اجازه بدهید توضیحات مختصری عرض کنم:

- در مورد آموزش و تحصیلات تکمیلی: مسأله قابل توجه در این برنامه، توجه به بهره‌وری بهینه از نیروی انسانی و آموزش نیروی انسانی است. سرمایه‌گذاری در این بخش، دارای فرآیندهای مطلوب و محسوسی است که می‌تواند رویش حساب کرد و بایستگی امر می‌طلبد که در برنامه دوم، بهای بسیاری به این سرمایه‌گذاری سودمند بدهیم. در این رابطه، در حد عمومی، سرمایه‌گذاری خوبی در بخش توسعه آموزش عالی در برنامه اول داشته‌ایم و در برنامه دوم باید تراکم سرمایه‌گذاری و فشار کار روی زیر بخش آموزش، یعنی آموزشهای تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکترا) و حتی المقدور کاربردی باشد و از حالت تئوری محض به سوی برقراری اعتدالی بین تئوری و عمل، سمتگیری شود.

- در مورد کسری بودجه: پیش‌بینی کرده‌ایم که در پایان برنامه دوم، مثل برنامه اول، کسری بودجه نداشته باشیم. البته در سالهای پایانی

گزارش ویژه

بررسیهای کارشناسانه، در روشن‌سازی افکار خاص و عام نسبت به اهم مسائل جاری و آینده کشور، با تلاشی مستمر اهتمام ورزیده است.

یکی از منابع قابل اطمینان اطلاع‌رسانی جهت تبیین و تشریح برنامه، همین مرکز پژوهشهاست که با کادر کارشناسی خود که فی الواقع از زیدگان رشته‌های گوناگون علمی کشور هستند، می‌تواند از طریق انتقال اطلاعات و نشر آگاهیها، به حضور هرچه بیشتر قشرهای گوناگون مردم، برای ظهور بعدی در کلیه عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، کمک کند و با نشر و برگزاری نشستهای متعدد و چاپ گزیده یا تمام آنها، رسالت خطیر خویش را به انجام رساند و همه را با حدود و ثغور برنامه دوم آشنا سازد.

در رابطه با پرسش آینده‌نگرانهای که مطرح فرمودید، یعنی ارزیابی برنامه و تصویر چشم‌اندازها و نهایتاً فرآیند آن، باید لزوماً پیش از پرداختن به هدف‌گذاریهای برنامه دوم، نخست فرآیندهای برنامه اول را ارزش‌سنجی نماییم. بررسی نتایج حاصله از کارکرد برنامه اول و تطبیق و مقایسه آن با هدفهای برنامه دوم، می‌تواند به پاسخ پرسش شما کمک کند.

برنامه اول به هر حال نخستین تجربه جمهوری اسلامی بود و ما تجارب زیادی در طراحی، سیاست‌گذاری و اجرایی برنامه نداشتیم و دولت هم با همه سعی و تلاشی

کرده‌ایم و شاید نیازی هم به بیش از این نبود.

- در مورد بیمه درمانی فراگیر: در رابطه با مسائل اجتماعی، اقدامات مهمی در برنامه دوم پیش‌بینی شده که از جمله آنها، مسأله بیمه درمانی همگانی است. در حال حاضر حداکثر افراد زیر پوشش خدمات درمانی، قریب ۵۰ درصد از کل جمعیت کشور می‌باشند که طبق پیش‌بینی در پایان برنامه دوم این رقم بیشتر خواهد شد. پیش‌بینی شده که ۶۰ میلیون نفر تا پایان برنامه دوم از مزایای بیمه درمانی همگانی، بهره‌مند شوند که این قبیل خدمات ارزنده و کارهای بنیادی، از هدفهای سنگین و خوبی است که حرکت کل برنامه را به سمت عدالت اجتماعی، تسریع می‌نماید.

□ مجلس و پژوهش: جناب آقای مهندس نوروزی! به نظر شما راهکارها و سیاستهای پیش‌بینی شده در برنامه، وافی برای دستیابی به اهداف آن می‌باشد یا خیر؟ برنامه در تدارک سیاستها، تا چه اندازه موفق، ارزیابی می‌نماید؟

آقای مهندس عبدالله نوروزی: متشکرم از مرکز پژوهشها که همیشه بانی برگزاری میزگردهای روشنگرانه و متفاوت بوده و ضمناً با تهیه جزوات پژوهشی و حضور فعال در بحثهای کمیسیونها و میان نمایندگان محترم و ارائه تحلیلهای عالمانه و



موسوی

مهندس محمدرضا باهنر، نماینده مردم تهران و عضو هیأت رئیسه کمیسیون تلفیق برنامه دوم:

* من اگر بخواهم در چند جمله تصویری از برنامه دوم ارائه بدهم، می‌توانم به اختصار بگویم که در برنامه دوم، هدفگذاری این است که تراز بازرگانی ما، به میزان ده میلیارد دلار، مثبت بشود، یعنی مجموعاً صادرات ۱۰ میلیارد دلاریش از واردات باشد و مقدار ۸ میلیارد دلار از بدهیهای به وجود آمده در برنامه اول را که برای ایجاد ظرفیتهای توسعه، هزینه یا سرمایه‌گذاری شده، در طی برنامه دوم مستهلک نمایم که برای حصول این فرآیند، طبیعی است که امر صرفه‌جویی در اولویت قرار بگیرد.

که کرد، نتوانست در چارچوب مقرر در برنامه، خودش را به سرعت هماهنگ نماید، با وجود این، نتایج به دست آمده بسیار امیدوارکننده بود و با آنکه به همه اهداف نرسید، ولی اهل فن، کارنامه را خوب ارزیابی و توفیق را با ضریب بالا برآورد نمودند.

خوب به خاطر دارم که بعد از تصویب برنامه اول که خدمت مقام معظم رهبری رسیده بودیم، ایشان تأکید بر این مورد داشتند که حتی اگر برنامه اول نواقصی هم داشته باشد، باید همه تمکین کنند تا خیلی خوب اجرا بشود. تأکید مقام معظم رهبری بر اجرای کامل مفاد قانون برنامه اول بود تا بتوانیم به اهداف پیش‌بینی شده نزدیک شویم.

برنامه دوم در حالی طراحی و تصویب شد که از چند مزیت تجربی برخوردار بود. تجربیات حاصل از برنامه ریزی و روند اجرای برنامه اول به منزله بسترهای از پیش فراهم شده برای جریان برنامه دوم تلقی می‌گردد. دولت هم بر مبنای آن تجارب و ضرورتها و اولویتها و با در نظر گرفتن مجموعه امکانات موجود، چارچوب برنامه دوم را طراحی و تنظیم کرد که هر چند همه نکات را نتوانسته در برنامه لحاظ نماید ولی

یکی از موارد دیگری که طرحش در این مقطع ضروری است، آن است که دولت محترم باید طبق تکلیف مقام معظم رهبری، تمام تلاشش را در جهت اجرای مفاد و مفاهیم قانون برنامه دوم معطوف و مصروف بدارد.

همان طور که در تبصره‌های مختلف تصریح شده، محوریت برنامه با «آب» و «کشاورزی» است و اصلاح الگوی مصرف نیز مکرراً مورد تأکید قرار گرفته است. البته تغییر الگوی مصرف، در برنامه اول هم طرح شده بود ولی به دلایلی که باید کارشناسان به علت یابی آن بپردازند، چندان توفیقی نداشت و به نتیجه مطلوبی در حد توقع برنامه، نائل نشد. اما در طی برنامه دوم به این مورد توجه بیشتری خواهد شد تا به پیش‌بینی‌های مندرج در مفاد تبصره‌ها برسیم. البته مجلس هم باید نقش و وظیفه نظارتی خود را پیگیرانه تعقیب نماید و جایگاه بایسته کنترل و نظارتش را در این قضیه، کاملاً مشخص نماید. در اینجا لازم به تأکید می‌دانم که شرط اصلی توفیق در برنامه دوم، نظارت همه جانبه است و مجلس هم باید وظیفه نظارتش را به عنوان یک تکلیف، مصرانه پیگیری نماید.

□ مجلس و پژوهش: جناب آقای مهندس بحیوی! چشم‌انداز برنامه دوم از نظرگاه جنابعالی با توجه به توضیحاتی که برادران پیش از این دادند، چگونه است؟

خوشبختانه با رهنمودهای مقام معظم رهبری، هدفهای کلی و سیاستهای کلان برنامه که بیشتر با خلق و خوی جامعه اسلامی ما همخوانی و همگنی داشت، مشخص گردید و برنامه‌ای به تصویب رسید که بیشترین مبنای اطلاعات و تجاربتش، فرآیندهای برنامه اول بود و بر همان اساس، یک سری آمار، اقلام و ضرایب نسبتهای برنامه فراهم و تدوین گردیده است.

اصولاً ایجاد کمیسیون تلفیق را از کارهای بسیار خوب این مجلس می‌دانم. این نهاد مثبت و کارساز در این سه چهار دوره مجلس از بسیاری جهات، واقعاً نقش‌ساز بوده است.

از سوی دیگر لایحه در جهت ارائه مکانیزم اجرایی و کنترل‌کننده، تبصره‌های خوبی داشت. البته برخی از بخشها می‌خواستند برای دستگاههای اجرایی خود سهم بیشتری از کمیسیونها بگیرند و این مورد در صحن مجلس، یک مقداری موجب مباحثی شد و تبصره‌هایی مطرح گردید که هر چند خیلی عمیق پیرامون جمیع جهات آنها کار نشده بود ولی با وجود این، به سبب ضرورت‌های موجود، در کمیسیون تلفیق روی آنها کار کارشناسی مفصلی شد و نهایتاً با دقتی پالایش شده، به عنوان تبصره‌های محکم و مؤثر از تصویب نهایی گذر کرد.

تلاش اعضای کمیسیون تلفیق این بود که در طول برنامه دوم، برخلاف برنامه اول، خیلی کمتر اصلاحیه داشته باشیم.

سالهای میانه به کلی حذف گردد که مجلس با توجه به ضرایب قابل پیش‌بینی افزایش قیمت و نرخ پاره‌ای از اقلام و خدمات، این پیشنهاد را رد کرد و مقرر شد که ما در طول برنامه دوم، حداقل نیازهای مردم را به صورت کالاهای اساسی و سوبسیددار، مطابق سال ۷۲، در اختیار مردم قرار بدهیم.

سید محسن یحیوی

□ مجلس و پژوهش: بعد از طرح کلیات برنامه، با اجازه شما، قسدری وارد جزئیات بیشتری می‌شویم. جناب آقای عسکراولادی! مجلس به هنگام بحث درباره برنامه دوم، «پیوست» را مورد بحث و تصویب قرار نداد. با توجه به اینکه اساساً برآورد اعتبارات بخشها می‌تواند به واقعیت نزدیکتر باشد و چارچوبی، برای هدایت بخشها تلقی شود، ما بایم نظر جنابعالی را در این مورد بدانیم که این رویکرد، نقصی تلقی نمی‌گردد؟

آقای عسکراولادی: همان طور که آقای باهنر اشاره کردند، برنامه عبارت از هدفگذاریهاست. برخی تصور می‌کنند که برنامه یعنی بودجه پنجساله؛ عده‌ای هم هستند که تصور می‌نمایند که بودجه، همان برنامه پنجساله است. در حالی که برنامه، هدفگذاریهاست و بودجه باید سالانه تنظیم شود. به همین دلیل در موضوع «پیوست»های برنامه دوم، روحیه کمیسیون این نبود که بودجه پنجساله تنظیم می‌نماید. منظور آن است که موضوع «پیوست»ها از

آقای مهندس سید محسن یحیوی: بنده می‌توانم این طور شروع کنم که از ویژگیهای درخشان برنامه دوم، پُر رنگ کردن منویات و رهنمودهای مقام معظم رهبری در مورد توجه به قشرهای ضعیف و آسیب‌پذیر، تلاش برای گسستن از وابستگی به درآمدهای نفتی، کوشش در جهت کاهش بدهکاریهای خارجی و اولویت دادن به بخش آب و کشاورزی است. در مورد کاهش بدهکاریهای خارجی، دولت برنامه‌ریزی کرده بود که ۴ میلیارد دلار کاهش از آغاز تا پایان برنامه داشته باشد که مجلس این رقم را به ۸ میلیارد دلار تبدیل کرد با این تأکید مؤکد که مانده بدهیها در پایان برنامه دوم نباید به گونه‌ای باشد که تنظیم بودجه برنامه سوم دچار مضیقه بشود. در جهت محوریت بخش آب و کشاورزی که دولت برای آن اهمیت قابل توجهی قائل شده بود، مجلس با چند تبصره بر آن صحنه گذاشت. برای تأمین حداقل مایحتاج اولیه کشور به خارج که در برنامه دولت آمده بود، پیش‌بینی‌های لازم در نظر گرفته شد. در برنامه پیشنهادی دولت در عین حال پیش‌بینی شده بود که سوبسید کالاهای اساسی به تدریج کم بشود و در

گزارش ویژه

کردن حجم تشکیلات دولت را به عنوان یک راهکار برای صرفه‌جویی در هزینه‌های جاری و برای بازدهی بیشتر امور اداری، در برنامه به تصویب رسانده بودیم. اساساً ضرورت ایجاد شورای عالی اداری هم به همین منظور بود.

در برنامه اول، مشخصاً این هدف در تغییر روشها انجام شد. هر چند ما در پاره‌ای از موارد، علی‌رغم وجود یک چنین صراحت قانونی، باز شاهد افزایش حجم تشکیلات دولت شدیم. قطعاً چون این یک آرمان پذیرفته شده و مطلوب با هدفهای کیفی و بلندمدت نظام است، در برنامه دوم هم تکرار شد. متنها شخصاً کم کردن تشکیلات دولت را یک «راهکار» برای دستیابی به بهره‌وری بیشتر نمی‌بینم و نمی‌پذیرم. ممکن است بازدهی به نسبت داده‌های ما (آنچه را که ما از طریق ادارات و تشکیلات عرضه می‌داریم و سرمایه‌گذاری می‌کنیم) به نسبت آنچه که بازیافت می‌نماییم (با توجه به میزان سرمایه‌گذاری در تشکیلات موسع) مورد ارزیابی باشد، ولی لزوماً برای دستیابی به یک بهره‌وری بیشتر، ما می‌توانیم فقط دل به این بندیم که با کم کردن و محدود کردن تشکیلات دولت، به این روش خواهیم رسید.

در یک جمع‌بندی کوتاه و پیش از بحث بیشتر، می‌توانم بگویم که ما با کاهش حجم حجیم تشکیلات دولت، می‌توانیم هزینه‌های جاری دولت را کاهش بدهیم،

مقوله بودجه است و برنامه هدفگذاریهای پنجساله را نشان می‌دهد. جداول پیوست، به دلیل جو کمیسیون تلفیق که تلاش داشت برنامه را به طرف بودجه پنجساله نبرد، مطرح نگردید.

ما برای تحقق هدفگذاریهای برنامه دوم، باید بودجه سالانه را پاسداری کنیم و هم اکنون که اولین بودجه تصویب شده، باید مراقب باشیم تا دولت، قانع و مجاب شود که صرفاً در چارچوب برنامه مصوب قرار بگیرد و «بخشی‌نگری»‌های بخشهای گوناگون دولت و بخشهای نمایندگان محترم را، با دقت و احساس شدید مسؤلیت کنترل نماییم که در اولین سال برنامه پنجساله، با بودجه برنامه دوم، برخوردی منطقی و عقلانی داشته باشیم تا در طول سال اول (و سالهای بعد) هم مجلس و هم دولت از هدفگذاریها خارج نشوند.

□ مجلس و پژوهش: با توجه به محتوای تبصره ۳۹، برنامه دوم، در زمینه کوچک کردن و کارآمد ساختن دولت تأکیدی دارد. جناب آقای نوبخت! به نظر شما این راهبرد عملاً تا چه اندازه به نتایج مثبت خواهد رسید؟ برخی نگران بزرگتر شدن روز به روز حجم تشکیلات دولت هستند.

آقای دکتر محمد باقر نوبخت: موضوع تشکیلات دولت، از نوآوریهای برنامه دوم نیست. در برنامه اول هم، مسأله کوچک



میزگرد

دکتر محمدباقر نوبخت حقیقی،
نماینده مردم رشت و عضو
کمیسیون تلفیق:

* ما حدود هشت درصد رشد
نرخ تورم را برای سال ۷۳
پیش‌بینی می‌کردیم در حالی که
این رقم اقلأً به حدود ۲۶ درصد
رسید. با این توضیح، آمدیم
برای اولین بار در بودجه سال
۷۳، حکمی دادیم بر این منوال
که بدهی این بخشها به بانکها و
یا تغییر مانده بدهیها، نباید بیشتر
از ۷ هزار میلیارد ریال باشد.

* ما سیاست خصوصی‌سازی را
به عنوان یک راهکار در کاهش
حجم تشکیلات دولت می‌بینیم.

می‌توانیم سودی را که در پایان، بر اثر «تقویم
ریالی» این نوع هزینه‌ها دریافت می‌نماییم،
بیشتر کنیم، ولی همان‌طور که گفتم این
شیوه عمل، راه حل نهایی برای بهره‌وری
بیشتر نیست. من بهره‌وری را بیشتر در تغییر
در روشها می‌بینم تا در تشکیلات. چون
ساختار اداری ما در کشور به گونه‌ای است
که در پاره‌ای از موارد، کاهش تشکیلات
نمی‌تواند این نظر را، به لحاظ ساختاری،
تأمین کند. اگر ما بیایم این روشها را در
مجموعه تشکیلات دولت تغییر بدهیم، به
نقطه مطلوب خواهیم رسید.

آنچه که در تبصره ۳۹ مشخصاً نظر
کمیسیون تلفیق و تأیید مجلس شورای
اسلامی بود، مسأله کاهش حجم تشکیلات
دولت و یک نوع جلب مشارکت بخشهای
غیردولتی است و حتی مسأله لغو
انحصارات هم که مورد نظر کمیسیون تلفیق
بود، در همین راستا عمل می‌شود. یعنی ما
سیاست خصوصی‌سازی را به عنوان یک
راهکار در کاهش حجم تشکیلات دولت
می‌بینیم. یک وقت نظریه بر این است که با
توجه به مأموریتهایی که در حال حاضر
برای دولت وجود دارد، این تشکیلات
حجمش زیاد است، باید کوچکتر شود و با
یک ساختار محدودتر و بسته‌تر می‌تواند

اقدام به تغییر و اصلاح روشها ننماییم، به بهره‌وری مطلوب و موردنظر، دست نخواهیم یافت.

□ مجلس و پژوهش: جناب آقای مهندس باهنر! با توجه به مفهوم تبصره «۲۲» در مورد تعهدات خارجی که چارچوبهایی را برای دولت تبیین کرده، بفرمایید که روح ناظر بر این چارچوبها و فلسفه واقعی آن چیست؟ اصولاً فکر نمی‌کنید که سیاستهای انقباضی دولت برای مثبت کردن تراز خارجی، موجبات کند شدن سرعت برنامه توسعه فراهم شود و ایجاد فشار بر داخل بنماید؟

آقای مهندس باهنر: در رابطه با مسأله بدهیهای خارجی، سه مقوله وجود دارد:

- ۱- نحوه دریافت این اعتبارات
- ۲- نحوه هزینه کردن آنها
- ۳- نحوه بازپرداخت آن

آنچه در سالهای پایانی برنامه اول، یک مقدار نظام ارزی ما را دچار تزلزل کرد و ایجاد گرفتاری برایمان نمود (که متأسفانه نقطه خوبی در عملکرد برنامه اول نبود و عملکردهای مثبت و نکات بسیار ارزنده و خوب برنامه اول را هم تحت الشعاع قرار داد)، موضوع حجم زیاد بدهیها نبود، زیرا به دنبال بررسیهایی که به عمل آمد، مشخص شد که در مجموع، بدهیها (یعنی مقدار منتقل شده از عملکرد قبل از برنامه اول، به

همین مأموریت را انجام دهد، یک وقت بحثمان این است که این مأموریتها، این حجم تشکیلاتی را طلب می‌کند، منتها چرا باید این حجمها، متمرکز در دولت باشد. می‌توانیم قسمتهایی از این را به بخش غیردولتی هم بسپاریم که نوعاً مسأله خصوصی‌سازی هم در همین راستاست. نظر کاهش تشکیلات حجم دولت در برنامه اول و دوم، این نبوده و نیست که با این حجم فعلی ضرورت ندارد که دولت مأموریتش را انجام بدهد، بلکه معتقدیم که همین وسعت و حجم تشکیلات، آنقدرها زیاد هم نیست ولی تمام این حجم نباید صرفاً در دولت متمرکز باشد. یعنی یک نوع تقسیم کار با بخشهای سه‌گانه مسؤول در اصل ۴۴ قانون اساسی، خواستیم این مأموریت به انجام برسد. به همین جهت باز هم لغو انحصارات دولت در اینجا مطرح است و کاهش این حجم تشکیلات در بخش دولتی. بنابراین بهره‌وری را صرفاً نباید در اینجا جستجو کرد. بهره‌وری با تغییر مدیریتتها (و نه مدیرها) میسر است و تغییرات مدیریتتها نیز جز با تغییر روشها، ممکن نیست.

بنابراین، دیدگاهم مشخصاً برای دستیابی به بهره‌وری این است که ما باید روی تغییر روشها کار کنیم و فکر نکنیم که جز روش موجود، روش یا روشهای دیگری نیست. ضمن اینکه معتقدم اگر ما بخواهیم حجم دولت را کوچک کنیم ولی

میلیارد را به خودش اختصاص بدهد و جذب کند، این اتفاق در عمل و اجرا پیش آمد ولی در مصوبات نبود.

ما در تبصره ۲۲، در رابطه با هزینه های ارزی، به چند دلیل کاملاً انقباضی بر خورد کردیم:

اول آنکه در برنامه اول قرار شد در بخش صنعت از نظر سرمایه گذاری، کاملاً انبساطی عمل کنیم. استدلال هم این بود که کارشناسان توصیه می کردند که در دو سال اول برنامه اول به حد کافی، سرمایه به بخش تزریق بشود تا در دو سال پایانی برنامه، خود بخش پاسنگوی نیازهای خودش باشد. ولی این وادهی، دو سال به تأخیر افتاد و بدهیهایش را هم نداد! همان طور که در آغاز اشاره کردم ما بر آن نیستیم که صنعت را منزوی کنیم و در سایه نگاهش بداریم. حداقل انتظار ما این است که با آن مقدار منبع مالی تزریق شده به بخش، نه تنها بتواند خودگردان بشود و بازپرداخت بدهیهای گذشته اش را تأمین نماید، بلکه یک مقداری هم به کمک بخشهای دیگر بیاید و این یک انتظار بسیار بسیار طبیعی است که بخش صنعت باید در برنامه دوم به آن جامه عمل بپوشاند. بنابراین، ما سرمایه گذاری سنگینی را در بخش صنعت - تبصره ۲۲ - نداریم.

دوم اینکه ما یک مقدار مکانیزمهایی را پیش بینی کردیم تا مشکلات قبلی پیش نیاید. ممکن است در اجرا بعضی از مسؤولان اجرایی بگویند که روش کار، مشکل و صعب الوصول است، اما ما در

علاوه آن مقداری که مجوز قانونی داشت و در برنامه اول پیش بینی شده بود، خیلی حجمش بالاتر و بیشتر از مصوبات نبود. اما، مشکلی که برایمان پیش آورد، تراکم زمان بازپرداخت آنها در طی دو سال بود و این به شدت به ما آسیب رساند.

در اواسط سال ۱۳۷۱ ما قریب ۲۷ یا ۲۸ میلیارد دلار بدهی خارجی داشتیم (که این همان طور که گفتم، خیلی غیر مترقبه نبود) و از این میزان، سررسید بازپرداخت حدود ۱۹/۵ تا ۲۰ میلیارد دلار آن در سال ۷۲ بود. مسأله همزمانی موعد سررسید بدهیها، در حالی پیش آمد که در سال ۷۲، حداکثر حدود ۱۳ تا ۱۴ میلیارد دلار درآمد داشتیم و این موجب طرح مسأله معوقه ها و قفل شدن بیمه های دولتی گردید و نهایتاً از نظر وجهه بین المللی، طرفهای خارجی معاملات ما را (مثل هر تاجری)، نگران کرد که این مجموعه پیش بینی نشده، نقطه خوبی در عملکرد سالهای پایانی برنامه اول نبود. پس، نحوه بازپرداخت، یک مقدار برای ما ایجاد اشکال کرد. در مورد دریافت اعتبار با مشکلی مواجه نبودیم ولی در بعضی جاها، آن طور که در برنامه پیش بینی شده بود، هزینه ها درست خرج نشد. یعنی قرار نبود که بخش صنعت، طی برنامه اول مبلغ ۳۴

گزارش ویژه

حتی بعضی از «فاینانس»ها را پذیرفته‌ایم و گفته‌ایم که در واقعیت اگر اینها بتوانند از هزینه‌های ارزی ما در آینده بکاهند و جبران نمایند ما می‌پذیریم. هزینه‌هایی را که اجباراً اکنون در حال صرفش هستیم، مشروط بر آنکه قراردادها دقیقاً براساس قراردادهای طراحی شده در تبصره باشد پذیرفتنی است نه آنکه خدای نکرده هنگامی که مسأله‌ای در اجرا پیش آمد، بگویند حال که «بای بک» نشد، ما رفتیم و همین پول را مثلاً کالا خریدیم! یوزانس شد، یک ساله یا دو ساله شد! و... که اینها واقعاً موجب گرفتاریهای مجددی می‌شوند.

با سرمایه‌گذاریهای بسیار خوب و سنگینی که در برنامه اول شده، ما تبصره ۲۲ را با یک مقدار «زیبا عمل کردن» و مصمم بودن در اجرا، می‌توانیم به نیکویی عمل

برنامه دوم پیش‌بینی کرده‌ایم که بدهیها طوری بازپرداخت بشود که ما در برنامه سوم (که باید بازپرداخت بدهیهای برنامه دوم را داشته باشیم) هیچ سالی بیش از ۳۰ درصد از درآمدهای ارزی آن سال را بدهکار نباشیم. ما چاره‌ای جز تنظیم حرکت خویش نداریم، باید بدهیهای کوتاه مدت، یوزانس و فشارهای بالا به حداقل خود برسند. بدهیهای ما باید روی سالهای مختلف و طولانی‌تر تقسیم و سرشکن بشود تا زمانهای طولیل بازپرداخت آنها، فشار کمتری را روی اقتصاد ما وارد کند.

البته برخی از معاملات را حمایت می‌کنیم. اگر به صورت واقعیت قضیه عمل بشود، از نوع مثلاً «بای بک» را، که اگر یک بیع متقابلی اتفاق بیفتد و واقعی باشد ما اجازه وقوع عملش را در تبصره ۲۲ داده‌ایم.

هدفهای کلان (کیفی) برنامه دوم

در یک نگاه

- تلاش در جهت کاهش وابستگی اقتصاد کشور.
- حفظ محیط زیست.
- تقویت بنیه دفاعی کشور.
- رعایت اصول عزت و حکمت و مصلحت کشور در سیاست خارجی.
- تلاش در جهت حاکمیت کامل قانون.
- نظامدهی و به‌کارگیری تحقیقات.
- ایجاد تعادل در بخشهای اقتصادی.
- تقویت و ترجیح ارزشهای انقلاب اسلامی در عرضه کردن منابع.
- تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی.
- رشد فضائل براساس اخلاق اسلامی.
- هدایت جوانان و نوجوانان.
- افزایش بهره‌وری.
- تربیت نیروی انسانی مورد نیاز.
- رشد و توسعه پایدار اقتصادی با محوریت بخش کشاورزی.
- اصلاح ساختار نظارتی اجرایی و قضایی کشور.
- تقویت مشارکت عامه مردم.

دوم جواب خودش را بدهد.

□ مجلس و پژوهش: در برنامه دوم در زمینه نفت، نکات مهم اساسی و قابل توجهی پیش بینی شده و نسبت به بخش انرژی، در برنامه، توصیه‌ها و تأکیدی در نظر گرفته شده است. به نظر حضرت‌عالی، آتیهات سیاست‌گذارهای این بخش در چیست؟

میزگرد

کنیم و مشکلی هم پیش نخواهد آمد. آن سرمایه‌گذارهای برنامه اول، با این مقدمات و آن برنامه‌ریزیها و سیاستها، باید در برنامه

آقای مهندس یحیوی: سیاست‌گذارها را

هدفهای کلان (کمی) برنامه دوم در یک نگاه

شرح	۱۳۷۳	۱۳۷۸	نرخ رشد ۱۳۷۳-۷۸
تولید ناخالص داخلی (میلیارد ریال ثابت سال ۶۱)	۱۳۷۶۶/۳	۱۷۶۳۵/۳	۵/۱
سرمایه‌گذاری ناخالص (میلیارد ریال ثابت سال ۶۱)	۲۲۶۲/۷	۳۰۵۵/۵	۶/۲
مصرف خصوصی (میلیارد ریال ثابت سال ۶۱)	۹۲۸۷/۲	۱۱۳۱۲/۱	۴/۰
مصرف دولتی (میلیارد ریال ثابت سال ۶۱)	۱۸۰۴/۲	۱۷۲۷/۴	-۰/۹
هزینه‌های جاری (میلیارد ریال)	۱۸۸۳۱	۳۱۶۳۵	۱۰/۹
هزینه‌های عمرانی (میلیارد ریال)	۱۱۲۱۸	۲۹۱۹۰	۲۱/۱
کل هزینه‌ها (میلیارد ریال)	۳۰۰۴۹	۶۰۸۲۵	۱۵/۱
کسری بودجه (میلیارد ریال)	-۱۷۵	-۱۷۵	۰/۰
کل درآمدها (میلیارد ریال)	۲۹۸۷۴	۶۰۶۵۰	۱۵/۲
درآمد نفت (میلیارد ریال)	۱۷۶۵۲	۲۶۳۲۵	۸/۳
درآمدهای مالیاتی (میلیارد ریال)	۷۷۵۵	۱۷۹۰۸	۱۸/۲
سایر درآمدها (میلیارد ریال)	۴۴۶۷	۱۶۴۱۷	۲۹/۷
حجم نقدینگی (میلیارد ریال)	۵۳۸۵۸/۲	۹۶۸۴۵/۳	۱۲/۵
شاخص قیمت (درصد)	۷۶۶/۷	۱۳۷۴/۶	۱۲/۴
واردات (میلیون دلار)	۱۶۵۰۸/۱	۲۰۴۱۹/۳	۴/۳
صادرات نفتی (میلیون دلار)	۱۳۴۶۰/۴	۱۵۸۹۶/۰	۳/۴
صادرات غیرنفتی (میلیون دلار)	۴۱۱۹/۹	۶۱۶۵/۳	۸/۴
کل اشتغال (هزار نفر)	۱۴۲۱۲	۱۶۲۳۲	۲/۷

* منابع آماری و مآخذ: قانون برنامه پنجم ساله دوم مصوب ۱۳۷۳/۹/۲۰

می‌شود با وضع مقررات ویژه‌ای از ورود وسایل نقلیه خارجی که مصارف بالایی دارند، جلوگیری کرد و برای ورود آنها یک سقف استاندارد تعیین نمود.

در آمارهای رسمی داشتیم که کارشناسان نظر داده بودند که اگر موتور وسایل نقلیه‌ای را که هم اینک در سطح شهرها و بیابانها مشغول فعالیت هستند، تنظیم موتور کنیم، حداقل ۳۰ درصد در مصرف انرژی صرفه‌جویی کرده‌ایم. اگر چنین اقدامی صورت بپذیرد همسو با آن، با اولویت دادن به بخش کشاورزی و بالابردن سطح استاندارد تولیدات صنعتی و توجه مستمر به بهبود و ارتقای سطح کیفی و کمی صنایع دستی و ایجاد امکانات بیشتر برای تولیدات این بخش و با در نظر گرفتن سایر تمهیدات، باید بتوانیم به تدریج نقش نفت را در اقتصاد کشور به عنوان یک تکیه‌گاه پایان‌پذیر، کم کنیم. البته این صرفاً یک خواست نیست، می‌توان برایش برنامه‌ریزی هم کرد و البته برای اجرا و هدایتش به سمت فرآیندی مطلوب، نیاز به یک خیزش جمعی و «عزم ملی» دارد. قبل از اینکه این عزم ملی در میان مردم ترویج شود باید در باور دولتمردان به وجود بیاید. یعنی ما باید به خود بیاورانیم که چیزی را از هیچ قوم و ملتی کم نداریم و مردم ما هم اگر درست و اصولی و منطقی مدیریت بشوند و امکانات داشته باشند و آموزش ببینند، می‌توانند به طور قطع همپای کشورهای دیگر که هم تازه

به دو بخش تقسیم می‌کنم: یکی تلاش برای جایگزین کردن منابع درآمدی به جای نفت و گسستن از نفت؛ دوم، به کارگیری نیروهای داخلی و توانهای ساخت داخلی در پروژه‌های صنعت نفت. در بخش اول تلاش بر این شده که ما یک روند هدایت شده در مصرف داخلی فرآورده‌ها داشته باشیم. در حال حاضر به طور متوسط سالانه شش درصد در قسمت نفت، با افزایش مصرف روبرو هستیم که به دولت تأکید شده با اتخاذ سیاستهایی که بیشتر مرتبط با بهینه‌سازی ابزار مصرف انرژی است، این ۶ درصد را به ۳ درصد کاهش بدهد. بدین مفهوم که سهم فرد را تقریباً ثابت نگه می‌داریم. دو درصد از سه درصد، مربوط به ضریب تقریبی افزایش جمعیت و یک درصد هم مربوط به مصارف جانبی است.

تلاش بر این است که دستگاهها، کارخانه‌ها با کیفیتی به سمت اصلاح و ایجاد ساختار سوختی خویش بروند که با مصرف کمتر انرژی، به بازدهی بهتر و بیشتر برسند. این امر امکان‌پذیر است. برای مثال مصرف «پیکان» برای هر صد کیلومتر، ۱۵ تا ۲۰ لیتر است در حالی که اتومبیل‌های خارجی با تغییر ساختار موتورهای وسایل نقلیه، این میزان را به ۴ تا ۵ لیتر رسانده‌اند. حال اگر ما بتوانیم با امکانات یک تکنولوژی پیشرفته روی موتورهای داخلی کار کنیم، طبیعی است که ضریب مصرف انرژی تا حد چشمگیری کاهش می‌یابد. از سویی

میزبورد

نسبت به نفت خواهند داشت، اهمیت مسأله موقعی نشان داده می‌شود که ما برای تأمین مصرف گاز خانگی، نیروگاه‌ها و کارخانه‌ها، علی‌رغم مخازن بزرگی که در کشور وجود دارد (و ما دارای دومین مخازن عظیم گاز جهان هستیم)، با یک سرمای چند روزه زمستانی، ناگهان با اختلال در گازرسانی و مصرف گاز مواجه می‌شویم. این به دلیل آن است که ما سرمایه کافی برای بهره‌وری و تولید از این مخازن را نداریم. ما مخزن عظیم «پارس جنوبی» را داریم که بخشی از آن با کشورهای همسایه جنوبی ما مشترک است. آنها از بعضی از این مخازن خدادادی در حال بهره‌برداری و از برخی دیگر، در شرف بهره‌برداری هستند. اما ما سرمایه کافی برای اینکه با ایجاد تأسیسات و امکانات، از مخازن خود بهره‌برداری نماییم، نداریم. ما فاز یک «پارس جنوبی» را که مستلزم تأمین ۳۰ میلیون مترمکعب گاز در روز است، در برنامه دوم قرار دادیم که با استفاده از منابع کشور، اجرا بشود. متها فاز ۲ و ۳ که ضرورت تداوم برنامه موازنه آتی ماست، مقرر شد با روش بیع متقابل انجام بگیرد.

همچنین جمع‌آوری گازهای سوخته که در حال حاضر قریب ۳۴ میلیون مترمکعب، بدون کوچکترین بهره‌دهی می‌سوزد و بر باد می‌رود، بسیار ضروری است. گازی که می‌سوزد، مانند آن است که ما ارزمان را با دستان خود به آتش بکشیم. البته جمع‌آوری این گازها نیاز به سرمایه‌گذاری دارد و مادر برنامه دوم اجازه دادیم تا از محل بیع متقابل،

آغاز به صدور صنایع دستی خود کرده‌اند و هم درآمد ملی آنها متکی به نفت نیست، در عرصه‌های جهانی و بازارهای رقابتی، حضوری فعال داشته باشند. این کشورهای مورد اشاره هم اینک میزان این قبیل صادراتشان، بیشتر از میزان صادرات نفتی و غیرنفتی ماست.

ما به عنوان یک وظیفه شرعی و ملی باید در کم کردن مصارف فرآورده‌ها و بهینه کردن تصفیه خانه‌ها و پالایشگاه‌ها، تلاش مستمر داشته باشیم.

برای بهره‌وری بیشتر و بهتر و سهولت از منابع غنی نفت و گاز کشور، ما نیاز به سرمایه و سرمایه‌گذاری داریم و چون میزان درآمدهای ما، یا منابع حاصل از صادرات نفت خام و صادرات فرآورده‌های ما، با نیاز بازپرداخت دیون خارجی و ارائه کالاهای اساسی و سایر هزینه‌ها هماهنگی و برابری ندارد، لذا آنچه را که ما باید تخصیص به بهره‌برداری از مخازن نفت و گاز بدهیم، بسیار محدود است.

در برنامه دوم ما اجازه دادیم با استفاده از ۶/۵ میلیارد دلار با روش «بیع متقابل» سرمایه‌گذاری در بخش نفت و سایر فرآورده‌های نفتی و صنایع مربوط بشود.

البته صنایع مربوط، سهم کمتری را

این عمل صورت بگیرد.

مهندس یحییوی اشارتی به افزایش قیمت فرآورده‌ها رفت. استحضار دارند که در تبصره ۱۵ مقرر شده که قیمت فرآورده‌های نفتی افزایش پیدا کند و در بند «ب» تبصره ۱۹ هم، اشاره شده که آثار ناشی از این افزایش به نحو مقتضی باید جبران بشود، به نظر شما برنامه برای این «جبران»، راهکار مشخصی را هم معلوم کرده است؟

آقای عسکراولادی: این قید مؤکد در تبصره ۱۵ مطرح گردیده تا به نحوی آثار حاصل از افزایش فرآورده‌های نفتی جبران بشود و از دولت خواسته شده که در بودجه‌های سالانه این جبران را تنظیم و به مجلس ارائه نماید. خود کمیسیون تلفیق، مشخصاً چیزی را پیش‌بینی نکرده است. چون در بالا بردن قیمت فرآورده‌ها، در کمیسیون تلفیق، تعدیلی انجام شد تا آثار تورمی فوق‌العاده‌ای را، برای مردم نداشته باشد. برای این جبران هم از دولت خواسته شده که در بودجه‌های سالانه راجع به این جبران تمهیداتی به عمل آورد.

آقای مهندس باهنر: البته تا آنجا که بنده در خاطر دارم، ما در تبصره ۱۱ قانون برنامه دوم، مسأله کمک معاش ماهانه را به قشرهای کم درآمد، خانواده‌ها و زنان بسی سرپرست و در تبصره‌های بعدی در رابطه با خانواده‌ایثارگران و والدین شاهد،

افتتاح یک حوزه گاز «متان» به منظور استفاده از ۲ میلیون مترمکعب گاز شیری در جزیره خارک، که بدون هیچ‌گونه نفعی، در هوا می‌سوخند، در حالی مهار شد که ضرورت جمع‌آوری سالها بود که بر همه آشکار و مسلم بود با وجود این، سوختن آن قریب ۲۰ سال ادامه داشت و صرفاً به دلیل نداشتن اعتبار نمی‌توانستیم از آن ثروت‌رها شده در فضا، بهره‌وری نماییم. با احداث این کارخانه، ۲ میلیون مترمکعب گاز «متان» تبدیل به «متانول» می‌شود، بنابراین به دولت اجازه داده شد که بخشی از این ۶/۵ میلیارد دلار را برای این قبیل پروژه‌ها و ایجاد و راه‌اندازی پالایشگاهها (مثل پالایشگاه بندر ظاهری) صرف نماید. در برنامه دوم تأکید شده که در ساخت تأسیسات مرتبط با نفت و گاز و پتروشیمی، از نیروها و توانهای داخلی کارخانه‌های صنعتی کشور، بیشترین استفاده‌ها بشود.

من تصور می‌کنم اگر این ذهنیت در میان دولتمردان ما به وجود بیاید که به خاطر راحتی کار، به دنبال کارهای «کلید در دست» نروند، ما می‌توانیم با همت و تفکر و پشتکاری که در میان مسئولان آگاه کشورمان است، معتقد به شکوفایی هر چه بیشتر این قبیل پروژه‌ها در صنعت ایران بشویم.

□ مجلس و پژوهش: جناب
آقای عسکراولادی! در بیانات آقای



میزگرد

مهندس عبدالله نوروزی،
نماینده مردم ملایر و عضو
کمیسیون تلفیق:

* تغییر الگوی مصرف در برنامه
اول هم طرح شده بود ولی به
دلایلی که باید کارشناسان به
علت‌یابی آن پردازند، چندان
توفیقی نداشت و به نتیجه
مطلوبی در حد توقع برنامه، نائل
نشد؛ اما طی برنامه دوم، به این
مورد توجه بیشتری خواهد شد.
شرط اصلی توفیق در برنامه
دوم، نظارت همه‌جانبه است و
مجلس هم باید وظیفه نظارتش
را به عنوان یک تکلیف، مصرانه
پیگیری نماید.

مطرح کرده‌ایم و علی‌رغم آنکه در بودجه و
برنامه با اعداد به صورت انقباضی برخورد
کردیم با وجود این، بسیاری از اقلامی را که
دولت پیش‌بینی کرده بود، به همان نسبتی که
درآمدها را پایین آوردیم، آنها را هم کاهش
دادیم، اما این کمکهای انتفاعی رابه شدت
افزایش دادیم و در واقع، مقداری از این
جبرانها در خود برنامه انجام شده است.

مسئله بیمه همگانی را برای ۶۰ میلیون
نفر جمعیت تا پایان برنامه دوم پیش‌بینی
کرده‌ایم، یعنی در سال پایانی برنامه برای هر
نفر از ۶۰ میلیون نفر، ۵۰۰ تومان به صورت
ماهانه پیش‌بینی شده تا یک بیمه همگانی
داشته باشیم و این خودش قسمتی از آن
جبرانهای پیش‌بینی شده است. یا همین
چهار هزار و هشتصد میلیارد ریالی را که در
تبصره ۱۱ برای کمک به افراد کم درآمد،
کمک به امداد، به بهزیستی، یا پول خوبی را
که برای خانواده محترم شاهد و تأمین
نیازهای درمانی جانبازان و اشتغال و
چیزهای دیگر در نظر گرفته‌ایم، اینها هر
کدام در عمل، جبرانهای متناسبی است که
در بودجه پیش‌بینی شده است. ما در شور
اول، مصوبه‌ای داشتیم که این افزایش، باید
به نحوی جبران شود و این را در واقع
کمیسیون تلفیق مورد تأکید قرار داده است.

مجموعه، به تناقض می‌رسد. به طور کلی ما در برنامه، اعداد کلانی را برای دولت گذاشته‌ایم تا دولت آنها را تنظیم نماید و در بودجه سالانه بگنجانند.

□ مجلس و پژوهش: جناب آقای مهندس نوروزی! در تبصره ۱۹، بند «ب» دولت موظف شده است که سیاستهای محدود کردن رشد مصرف فرآورده‌های نفتی را اعمال نماید تا حداکثر سه درصد در سال، میزان مصرف کاهش بیابد. در این مورد، در برنامه چه سیاستهای روشنی پیش‌بینی و تکلیف شده؟ و اصولاً از آن عوارض برای رسیدن به این هدف، پیش‌بینی خاصی شده است؟

آقای مهندس نوروزی: اصل مطلب خوب و مطلوب است. در مقایسه با سایر نقاط جهان، به نسبت جمعیت و شرایط بهره‌وری از انرژی در بخش صنعت و غیره، اعداد مصرفی ما بسیار بالاست. این مصرف بی‌رویه علاوه بر آنکه ثروت ملی را بر باد می‌دهد، ایجاد ضایعات هم می‌نماید، در آلودگی محیط زیست هم نقش‌ساز است که این دو عامل نگران‌کننده (یعنی هدر رفتن سرمایه‌های بزرگ و آلودگی محیط زیست)، سبب شد که قیمت‌ها برای این کار، تعدیل بشود ضمن آنکه منبع مصرفش پیش‌بینی شده است یعنی ۱۱ هزار میلیاردی که به هر

در شور دوم ما مقدار زیادی از آن افزایش گرانی را به نسبتی که دولت پیش‌بینی کرده بود به صورت متعادل، سی درصد (۳۰٪) آن افزایش قیمت را پذیرفته‌ایم چه در فرآورده‌ها، چه در گاز و چه در برق و جاهای دیگر، و به همان نسبت هم - در حد ممکن و مقدور - جبران‌هایی پیش‌بینی شده است.

آقای اسکراولادی: در تکمیل سخنان جناب آقای باهنر باید عرض کنم کمیسیون تلفیق این جبران را در چندین مورد پیش‌بینی کرده و در قانون هم عیناً قید شده است، منتها پیش‌بینی اصلی را در بند «الف» داریم که از دولت خواسته شده نحوه جبران را همه ساله در لوایح بودجه سنواتی منظور نماید.

آقای مهندس باهنر: البته دولت هم، همان طور که حضرت‌عالی فرمودید و ما انتظار داریم، قاعدتاً باید چارچوب جداول برنامه را حفظ کند. ما باید در برنامه، گونه‌هایی از نحوه جبران را پیش‌بینی کرده باشیم تا دولت بتواند آنها را در بودجه سالانه‌اش به ریز منظور نماید. در واقع اگر کسی مدعی باشد که ما در برنامه پیش‌بینی هیچ جور جبرانی را نکرده‌ایم و به دولت تکلیف می‌کنیم که خودش جبران نماید و از سویی هم از دولت بخواهیم که چارچوب جداول ما را به هم نریزد، خوب این

خود به منظور صرفه‌جویی و برای نجات از آلودگی هوا و محیط زیست شهرها نداریم. به هر حال اگر رشد این سه درصد را متعادل کنیم، با توجه به اینکه سقف تولید در «اپک» ثابت است، می‌توانیم از محل میزان صرفه‌جویی بر مقدار صادرات نفت خام و فرآورده‌های خود بیفزاییم. رقم ۱۱ میلیاردی که پیش‌بینی شده، رقم روشن و ثابتی نیست ولی این رقم هم صرفاً برای مصرف و سرمایه‌گذاری در صنعت نفت در نظر گرفته شده تا این بخش بتواند با این رقم به امور زیربنایی، جاری و آینده خود سامان بدهد و طبیعی است که به علت گستردگی دامنه ضرورتها و نیازها و ترمیم دستگاهها، دیگر سهمی برای سایر بخشها باقی نخواهد ماند تا هزینه بشود. به هر حال، به دلیل بخشی‌نگری خاصی که در کل دستگاهها وجود دارد، تصور نمی‌کنم هیچ دستگاهی صرفه‌جویی خودش را، صرف بخشهای دیگر بکند. ولی در کل و در کلان‌قضیه، این صرفه‌جویی یک توفیق است برای اقتصاد کشور.

□ مجلس و پژوهش: جناب آقای دکتر نوبخت! جنابعالی ظاهراً در مورد این رقم و در تکمیل نظرات جناب مهندس نوروزی، فرمایشی دارید...

آقای دکتر نوبخت: همان طور که آقای مهندس نوروزی اشاره کردند، ما از ۲۲ هزار میلیارد ریالی که وزارت نفت، متقاضی افزایش عوارض بود، با ۱۱ هزار میلیارد آن

حال از این مَمَر حاصل می‌شود، برای سرمایه‌گذاری در بخش صنعت نفت مصرف خواهد شد.

این امید هست که با توسعه شبکه گازرسانی به شهرهای بزرگ و عمده کشور، جمعیت زیادی از این انرژی به جای نفت بهره‌وری نمایند که این خود در کاهش مصرف نفت مؤثر است. دولت هم اگر طی سیاستهایی عملی، بتواند سمت کاربرد وسایل نقلیه را به سمت عمومی کردن سوق بدهد، یعنی وسایل عمومی جایگزین وسایل نقلیه فردی بشود، در پیشگیری از مصرف زیاد فرآورده‌های نفتی، کمک مطلوبی انجام داده است. در بخش سرمایه‌گذاری در انرژی برق هم که باید رشدی متعادل با افزایش جمعیت و صنعت داشته باشد، می‌توان مصرف نیروگاهها و کارخانه‌ها را تبدیل کرد. ولی این رقم سه درصد، خیلی هم دقیق نمی‌تواند باشد که ما حتماً با رشد سه درصد مواجه خواهیم شد. در کمیسیون تلفیق هم روی این رقم ۳ تا ۵ درصد، بسیار بحث شد. افزایش قیمت هم به نظر نمی‌رسد که خودش به تنهایی این رشد را متعادل بکند، مگر آنکه الگوهای مصرف به کمکش بیاید. لذا چاره‌ای جز حرکت به سمت عمومی کردن امکانات

گزارش ویژه

در کنار این رقم، سیاست‌گذاریهای دیگری را هم داشتیم که اعمال تعرفه‌های سود بازرگانی، حقوق گمرکی برای ابزارهای انرژی که از خارج وارد می‌شود (آنهایی که پُر مصرف هستند، تعرفه‌های سنگین برایشان وضع می‌شود و آنهایی که کم مصرف هستند، تعرفه‌های کمی دارند که این مورد به طور طبیعی و اقتصادی، مصرف را به سمت یک الگوی خاص هدایت خواهد کرد)، ساعات کار اصناف را تعیین کرده‌ایم و اعمال تعرفه‌های سنگین در اوج ساعات مصرف انرژی را هم مشخص نمودیم. باید بچه‌هایمان را از همان ابتدای تحصیل با گنجاندن مطالبی در کتب درسی، به صرفه‌جویی در مصرف انرژی، آموزش و عادت بدهیم. اگر به تعقیب یک عدد متناظر اعتباری هستید بند ۶ پاسخگوی شما است ولی این ۹ بند، شیوه تغییر مصرف را برای جامعه موجب خواهد شد تا انشاءالله از ۶ درصد فعلی بتوانیم در پایان برنامه به ۳ درصد برسیم.

[۱] مجلس و پژوهش: برنامه اول به هر صورت تجربه خصوصی سازی پُرفراز و نشیبی بود. از طرفی هم در تبصره ۳۹ آمده است که دولت تا آنجا که می‌تواند باید حجم تشکیلاتش را در طول برنامه کمتر بکند. از سوی دیگر در برنامه اول ما مواجه با این واقعیت هستیم که خصوصی سازی با روند خوب و مطلوبی همراه نبوده،

موافقت کردیم و این رقم هم مشخصاً در ارتباط با سرمایه‌گذاریهایی است که برای نیاز پنجساله آینده برنامه صرف خواهد شد و از محل محدودیت و صرفه‌جویی، چیزی نصیب این وزارتخانه نخواهد گردید. در حال حاضر مصرف انرژیهای فسیلی ما، ۶ درصد است که قرار است به ۳ درصد کاهش پیدا کند. ۱۱ درصد هم رشد انرژی الکتریکی داریم، ۸ درصد هم افزایش رشد بنزین. منتها یک بندی در همین تبصره تعیین شده که ما براساس آن، وظایفی را برای این تشکیلات تعیین نموده‌ایم. البته نه مشخصاً برای وزارت نفت، بلکه برای مجموعه دولت که بتوانند با در نظر گرفتن آنها، به یک حد متعادل و مطلوبی از تحدید در مصرف انرژی برسند.

من مشخصاً بند «و» را توضیح می‌دهم. ما در این بند دولت را موظف کرده‌ایم که برای اعمال صرفه‌جویی و منطقی کردن مصرف انرژی و حفاظت محیط زیست، به حداقل ۹ مورد رهنمود مجلس توجه کند و در بند شش تأکید داشته‌ایم که ۲ درصد از فروش حاملهای انرژی را برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی، استفاده نماید. اگر جنابعالی در پی عددی هستید که تناظر این حکم را با یک اعتباری مشخص بکند، همین بند ۶ است. ما این ۹ مورد را برای کل مصرف انرژی تعیین کرده‌ایم و این دو درصد از محل فروش حاملهای انرژی حاصل خواهد شد. این از نظر عددی، منتها



میرزا محمد

در بعضی جاها حالت به اصطلاح «تمیزی» هم نداشته است و یا مثلاً همین قضیه تأسیس یک هزار فروشگاه زنجیره‌ای و اینکه چقدر رافع مشکلات توزیع خواهد بود و اینکه بهتر نیست بازار سرمایه را برای «عرضه» توسعه بدهیم تا در «تقاضا»؟ جناب آقای عسکراولادی! با توجه به تبصره ۳۹ جنابعالی چه تحلیلی از این موضوعات دارید؟ فکر نمی‌کنید اینها دارای مغایرتهایی با یکدیگر هستند و در مجموع، حرکت به سمت آن هدفها را کند می‌کند.

مهندس سید محسن یحیوی،
نماینده مردم تهران و عضو
کمیسیون تلفیق:

* من تصور می‌کنم اگر این ذهنیت در میان دولتمردان ما به وجود بیاید که به خاطر راحتی کار، به دنبال کارهای «کلید در دست» نروند، ما می‌توانیم با همت و تفکر و پشتکاری که در میان مسؤولان آگاه کشورمان است، معتقد به شکوفایی هر چه بیشتر این قبیل پروژه‌ها در صنعت ایران بشویم.

آقای عسکراولادی: بنده از همین نکته اخیر شروع می‌کنم. آنچه بعد از تصویب برنامه طراحی شده مثل همین شرکت فروشگاههای زنجیره‌ای، چیزی نیست که در چارچوب برنامه بشود درباره آن صحبت کرد. باید در چارچوب خودش بدان توجه نمود و در موردش به بحث نشست. در برنامه، حداقل سه اهرم برای حرکت به جانب مشارکت مردم پیش‌بینی شده است: ۱- شکستن انحصارات و کم کردن دخالت دولت در غیر از مواردی که انحصار هم نیست، کوچک کردن حجم تشکیلات دولت و واگذار کردن بخشی از مسؤولیتهای

بانکها خواسته شده که هدف باید باز کردن راه برای مردم، بویژه برای بخش تعاونی باشد. این سه اهرم را ما در برنامه اول نداشتیم. با تجربیاتی که از برنامه اول به دست آمد، این مدد حاصل شد که کمیسیون تلفیق بتواند مسأله خصوصی سازی را پیگیرانه مطرح نماید. خصوصی سازی یا به تعبیر خاص امام (ره)، «حضور مردم» در گرو رعایت آن سه اهرم است. امام (ره) می فرمودند که حضور مردم تنها با فریاد الله اکبر و یا حضور در جبهه ها نمی تواند محقق بشود، مردم باید در همه جا حضوری واقعی داشته باشند تا وقتی به جبهه دعوت می شوند، حضوری مستمر پیدا کنند.

خصوصی سازی در فرهنگهای شرقی و غربی، معنایی دارد که با فرهنگ اسلامی ما مغایر است. در اقتصاد اسلامی، خصوصی سازی، همان حضور مردم است. برای مشارکت مردم در کلیه ساحتها، این سه اهرم بسیار مؤثر و کارساز است که انشاءالله در بودجه هم باید از این سه اهرم پاسداری کنیم تا با قوت و قدرت برای استفاده همچنان باقی بمانند.

□ مجلس و پژوهش: حاج آقا
عسکراولادی اشاره کردند که ما
مکلف هستیم از برنامه پاسداری
کنیم. در برنامه، ما برای بودجه سال
۷۴ رقم ۳۶ هزار میلیارد ریال را
پیش بینی کردیم، اما لایحه ای را که
دولت اکنون برای بودجه ۷۴ ارائه

اجرایی غیر ضروری، که فعلاً در اختیار دولت است، به مردم و کمک کردن به مردم برای اینکه بتوانند آن بخشی را که به آنها واگذار می شود، اداره نمایند. به طور خلاصه، این اهرم عبارت است از شکستن انحصارات، کوچک کردن حجم دولت و واگذاری بخشهایی از آن به مردم.

۲- اهرم دیگر که در برنامه پیش بینی شده، تقسیم اعتبارات است که ما اعتبارات را به نسبت ۵۵ و ۴۵ درصد تقسیم کرده ایم. یعنی هدف گذاری این طوری شده که ۴۵ درصد مربوط به دولت و شرکتهای دولتی و ۵۵ درصد هم مربوط به تعاونیهای مردمی و بخش خصوصی باید باشد. این اهرم به منزله جرأت دادن به مردم است برای شرکت دادن آنها در طرحهای خصوصی سازی.

۳- اهرم سوم، تا آنجا که اهداف کیفی و کمی برنامه ترسیم کرده، چنین مفهوم می شود که ما باید قدرت ریسک را از سرمایه گذاران به بانکها بدهیم، بانکها قدرت ریسک را باید به سرمایه داران بدهند چون سرمایه گذاری و سرمایه گذار، چند قدرت ریسک می خواهد که یکی از آنها، نظام بانکی و بیمه ای است که اینها می توانند کمک کننده و مشوق پذیرش قدرت ریسک، به سرمایه گذاران باشند و قدرت ریسک را باید به سرمایه گذاران تزریق کنند. در اهداف کمی و اهداف کیفی، هر کجا و به مناسبتهای مختلف واقعاً از وزارت اقتصاد و دارایی، از

بدهد و یا تعدیلهایی را باید صورت بدهد که در روند برنامه دوم، ما این انتظار را از دولت داریم. ولی طبیعی است از زمانی که برنامه را به دولت ابلاغ کردیم آنها تقریباً بودجه سال ۷۴ را نهایی و تقدیم مجلس نموده بودند.

به طور طبیعی، ما یک کسری مختصری را احتمالاً در جداول برای آموزش و پرورش داریم، از آن طرف در تبصره‌های هم به دولت حکم کرده‌ایم که باید جوری بودجه سالانه‌اش را تنظیم نماید که آموزش و پرورش با کسری احتمالی بودجه مواجه نشود.

ما یک معدلی را برای قیمت فروش نفت در نظر گرفته بودیم، اما همان طور که شواهد نشان می‌دهد، معدل فروش نفت از نظر دلاری، در سال ۷۴ بیشتر و بالاتر از حد پیش‌بینی ماست. ما در برنامه، اهداف را پنج‌ساله پیش‌بینی کرده‌ایم. برآورد نموده بودیم که در طول برنامه پنج‌ساله دوم، ۷۲ میلیارد دلار درآمد نفتی خواهیم داشت که این رقم را با احتساب یک رشد طبیعی، بین پنج سال زمان برنامه، تقسیم کرده‌ایم. اما واقع قضیه این است که درآمد نفتی ما در سال ۷۴، بیشتر از آن است که در برنامه پیش‌بینی کرده‌ایم. از طرفی ما به دولت تکلیف کرده‌ایم که مثلاً بودجه آموزش و پرورش کسری نداشته باشد و یا کوپن کالاهای اساسی به اندازه سال ۷۲ باشد.

تا آنجا که من اطلاع دارم، دولت قیمت نفت را برای هر بشکه نیم دلار اضافه پیش‌بینی کرده است که بعضی از مغایرت‌ها،

داده، ۴۵ هزار میلیارد ریال است که در واقع بیست و چهار و یک‌دهم درصد (۲۴/۱ درصد) انحراف در شروع کار داریم، آقای مهندس باهنر! جنابعالی برای این مغایرت در «آغاز» چه تحلیلی دارید؟

آقای مهندس باهنر: در بودجه سال ۷۴، یکی دو تا عدد، شکلی عوض شده که اینها قابل تحمل و توجیه هستند. مثلاً پیش‌بینی کرده بودیم که در سال ۷۴، مبلغ ۱/۶ میلیارد دلار از بدهیهای خارجیمان باید مستهلک شود. این رقم را ما در جداول برنامه، به قیمت دلاری هفت تومان پیش‌بینی کرده بودیم. یعنی هم هزینه‌اش را و هم درآمدش را با همان نرخ زمان پیش‌بینی - یعنی دلار ۷ تومانی - برآورد کرده بودیم و دولت دو طرف را (درآمد و هزینه را) با نرخ ۱۷۵ تومان پیش‌بینی کرده، بنابراین فقط یک عدد شکلی، یک عدد حسابداری عوض شده و هیچ اتفاق جدیدی نیفتاده و این را باید از سقف بودجه کسر کنیم.

بعد هم یک سری احکامی را، در تبصره‌ها به دولت تکلیف کرده بودیم، که همان طور که حاج آقا عسکراولادی فرمودند، در بعضی جاها دولت باید به نحوی جبران‌هایی را تدارک ببیند و انجام

خارج متوجه پروژه‌ها بنمایند که این پروژه‌ها (مثل گازی که بیست سال می‌سوزد تا سرانجام در یک فرصت مادی مطلوب به فکر مهارش می‌افتند) با فعال شدن بتوانند پاسخگوی پاره‌ای از نیازهای بخشهای صنعتی و غیرصنعتی باشند؟

ما طی یک بررسی که از انحصارات موجود به عمل آورده‌ایم، به این نتیجه رسیدیم که انحصارات در بخش نفت و پتروشیمی خیلی گسترده است و بعضی از آنها پایه‌های قانونی دارند و بعضی هم پایه‌های رویه‌ای و عرفی. به این ترتیب بخش خصوصی زیاد در آن طرفها ظاهر نمی‌شود. جناب آقای مهندس یحیوی! برای شکستن این حلقه، برنامه دوم چه تمهیداتی را اندیشیده است؟

آقای مهندس یحیوی: در برنامه با توجه به مقایسه نیازها و منابع، قید شده که دولت برای اجرای پروژه‌ها، می‌تواند از مشارکتهای خارجی نیز استفاده کند و در صورتی که در این رابطه نیاز به لایحه‌ای باشد، در مجلس طرح و مورد بحث و تصویب قرار خواهد گرفت. در این مورد من فکر می‌کنم ما منع قانونی نداریم و تا ۴۹ درصد می‌توانیم مشارکت خارجی داشته باشیم. به هر حال خود قانون، یک مسأله است و آمادگی کسانی که می‌خواهند آن

بدین دلیل است که صرفاً امور حسابداری است و از نظر ماهیتی مسأله‌ای نیست که برنامه را زیر سؤال ببرد و یا چارچوبهای مقرر را بشکند.

اگر اتفاقاً جایی هم در لایحه به موردی برخورد کردیم، سعی می‌نماییم در زمان تصویب بودجه سالانه در مجلس، اعداد بودجه و برنامه را به هم نزدیک کنیم.

آقای دکتر نوبخت: به مواردی که آقای مهندس باهنر اشاره کردند، نکته‌ای را هم من اضافه کنم و آن اینکه ما در تبصره «۳۸» برنامه، حکمی را تعیین کردیم که دولت موظف است در کنار سیاست تعدیل اقتصادی و کاهش سوبسید برخی از کالاها، حقوق و دستمزد کارمندان را هم به نحوی افزایش بدهد که هر سال به اندازه نرخ تورم، حقوق آنها نیز اضافه بشود و هشتصد میلیارد ریال در بودجه سال ۷۴، عددی است برای افزایش حقوق کارمندان دولت. بنابراین یک بخش از آن تغییرات شکلی هم بدین نحو در برنامه به چشم می‌آید.

□ مجلس و پژوهش: چنین به نظر می‌رسد که در زیربخش نفت ما مزیتهایی داریم که می‌تواند به عنوان موتور متحرک در بخش صنعت عمل کند. آیا واقعاً در برنامه دوم، این حقیقت القا شده که مسؤلان ما همت کنند و با توجه به این مزیتها، سرمایه‌هایی را از داخل یا حتی

آقای حبیب‌الله عسکراولادی:
 * برخی تصور می‌کنند که برنامه
 یعنی بودجه پنجساله؛ عده‌ای هم
 هستند که تصور می‌نمایند که
 بودجه، همان برنامه پنجساله
 است؛ در حالی که برنامه،
 هدفگذاریهاست و بودجه باید
 سالانه تنظیم شود.

* با تجربیاتی که از برنامه اول به
 دست آمد، این مدد حاصل شد
 که کمیسیون تلفیق بتواند مسأله
 خصوصی سازی را پیگیرانه
 مطرح نماید. خصوصی سازی یا
 به تعبیر خاص امام (ره)،
 «حضور مردم» در گرو رعایت
 آن سه اهرمی است که در برنامه
 آمده است.

* خصوصی سازی در فرهنگهای
 شرقی و غربی، معنای دیگری
 با فرهنگ اسلامی ما مغایر
 است. در اقتصاد اسلامی،
 خصوصی سازی، همان حضور
 مردم است.

قانون را پیاده کنند، یک مسأله دیگر است.
 ما آمده ایم و گفته ایم که کارهای جانبی یا
 به اصطلاح زیردستی نفت و پتروشیمی را
 برای اقدام سریع و ایجاد فعالیت در سطح
 بالا، به بخش آزاد واگذار کنید که تحرک
 بیشتری ایجاد بشود. یک نمونه اش را که
 شخصاً در جریان بودم، عده‌ای به وزارت
 نفت و بانکها مراجعه کردند و می‌خواستند
 در امر تهیه روغن سرمایه‌گذاری کنند و
 کسب مجوز می‌طلبیدند. وزارت نفت در
 پاسخ نوشت (که رونوشت نامه را هم برای
 من ارسال داشته‌اند) که ما با تقاضای شما
 موافق هستیم که چنین سرمایه‌گذاری
 هنگفتی در این بخش نکنید، منتها چون
 برای تأمین مواد اولیه کارخانه روغن شما،
 نیاز داریم که تغییراتی در پالایشگاه به وجود
 آوریم، شما باید برای یک پالایشگاه
 سرمایه‌گذاری بکنید تا آن واحد تهیه روغن
 را در پالایشگاه به وجود بیاوریم تا بعد آن
 روغن را تهیه کنیم و به عنوان ماده اولیه به
 شما بدهیم و جزو بدهکاریهاتان محسوب
 بداریم! یعنی اول یک سرمایه‌گذاری کلان
 در پالایشگاه بکنید تا بعد مواد اولیه کارخانه
 شما را تأمین نماییم! یعنی ما آمده ایم سنگ
 بزرگی را جلوی پای سرمایه‌گذار داخلی
 انداخته ایم که هیچ وقت برای هیچ کس

نخواهد داشت. تازه موقع ساخت و پرداخت هم دقت کافی خواهد شد که با زمانبندی کاملاً حساب شده و اقتصادی، موقع بازگشت سرمایه را نزدیک و بازدهی سود را بیشتر کند. درست با همین دیدگاه، جانبداری از مشارکت که متضمن بهره‌دهی قطعی و به هنگام، در برابر اخذ اعتبار است، کمیسیون تلفیق و مجلس شورای اسلامی، استفاده از چنین بهره‌گیری را تأیید و پیش‌بینی کرده است.

تصور بفرمایید در اجرای بعضی از پروژه‌ها، نیازهای ما به اعتبارات خارجی، ما را به سمتی می‌کشاند که بازپرداخت بدهیها، چندین برابر اصل اعتبارات می‌شود. ما در یکی از همین پروژه‌های اخیر، یعنی پارس جنوبی، حساب کردیم که برای ۹۰۰ میلیون دلار اعتبار، که برای سرمایه‌گذاری نیاز داشتیم، باید ۴ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار، بازپرداخت داشته باشیم.

طبیعی است که چنین شرایطی، اقتصاد ما را به طرفی که ناکجا آبادش می‌نامند، خواهد کشاند که یقیناً مطلوب نظر هیچ یک از دولتمردان هرگز نبوده و نیست.

ما در حال حاضر سوبسیدهایی را در داخل کشور می‌دهیم که اگر از مردم بخواهیم تا خود طالب حذف تدریجی آنها بشوند، از همین محل، ما می‌توانیم قسمت بسیاری از این سرمایه‌گذاریها را خود انجام بدهیم بی‌آنکه نیازی به اعتبارات خارجی باشد. می‌دانید که برای مصارف داخلی

جاذبه‌ای نداشته است تا پیشقدم شود. این وضعیت در صنایع نفت و پتروشیمی ما هست. تا هنگامی که این دید و این ذهنیت وجود دارد، هر چه قانون هم به تصویب برسد اجرا شدنش متصور نیست.

ما می‌توانیم با روشهایی که حافظ منافع جمهوری اسلامی است، از سرمایه‌گذاریهای خارجی استفاده و گاه استقبال بکنیم. در این قبیل سرمایه‌گذاریها، شکی نیست که سرمایه‌گذار هم در درآمدها شریک خواهد شد. منتها هنگامی که ما اعتباری با سود کلان دریافت می‌داریم، طرف کاری به نوع مصرف و نتیجه طرح و سود و زیان پروژه ندارد. او پولی با بهره داده که سرانجام هم به هنگام سررسید، اصل و فرع و احتمالاً دیرکردش را هم مطالبه می‌نماید و هیچ دلنگران نوع مصرف اعتبار داده شده هم نیست. ولی به هنگام مشارکت، چون کلیات طرح، کارشناسانه مورد ارزیابی قرار گرفته و جزییات طرح نیز توسط شریک خارجی، از هر نظر کاملاً موجه برآورد شده، و احساس کرده که ضریب توجیه اقتصادی هم بالاست و حتماً به سوددهی خواهد رسید، در نتیجه سرمایه‌کشور ما نیز محفوظ می‌ماند چرا که قطعیت توفیق طرح، قبلاً با دقت بررسی شده است. اصولاً تا طرحی در کوتاه مدت و یا دراز مدت، توجیه اقتصادی نداشته باشد، هرگز برای یک شریک خارجی که اطلاعات جامعی از وضع بازارهای جهانی دارد، جاذبه اقتصادی

جبران آثار فشار غیرقابل تحملی که ممکن است بر قشری از مردم وارد شود.

بهره‌برد

□ مجلس و پژوهش: از مجموعه فرمایشهای گفته‌های جنابعالی چنین استنباط می‌شود که باید منتظر باشیم تا در ساختار بخش نفت یک تحول جدی در جهت توسعه مشارکت مردم (در درجه اول با مشارکت سرمایه‌گذاران داخلی یا خصوصی‌سازی و داخلی کردن فعالیتها)، حادث بشود. مضافاً باید در انتظار به‌کارگیری و افزایش بهره‌وری از امکانات و مزایای خفته بود و از سویی هم باید وزارت نفت برنامه‌هایش را اعلام نماید تا مردم نیز در جریان فعالیتهای آن وزارتخانه قرار بگیرند و از کم و کیف امور مطلع بشوند. ولی آیا فکر نمی‌کنید آن فعالیتها که در برنامه اول هم مجوز داشت و حالیه هم خیلی گیر قانونی ندارد تا توانمندیها و مزیتها یمان را به کار بگیریم؟...

آقای مهندس یحیوی: من با جنابعالی هم عقیده هستم که ما گیر قانونی زیادی نداریم. به همین دلیل هم قید کرده‌ایم که اگر دولت لوایحی را در این زمینه لازم می‌بیند، عرضه بدارد و الاً به اعتقاد من در قالب قوانین موجود هم، این امر قابل عمل می‌باشد و مشکلی هم ندارد.

ما توانهای ذاتی کشور را می‌توانیم بارور کنیم و شاید یکی از مواد خوب برنامه دوم، برای شکوفایی هر چه بیشتر سمت و سوی

انرژی، از ۸ تا ۱۰ میلیارد دلار، در سال ۷۳ دولت سوبسید پرداخت کرده است این در حالی است که قیمت فرآورده‌های نفتی حتی کمتر و پایین‌تر از نرخ حمل و نقل آنها، در اختیار مصرف‌کننده گذارده شده است.

اگر این قیمتها کم‌کم به طرف سطح قیمت تمام شده سوق پیدا کند و ما حتی سالی یک میلیارد دلار بتوانیم از محل سوبسیدها صرفه‌جویی کنیم، (یعنی ۱۰ درصد هم اگر بتوانیم صرفه‌جویی داشته باشیم)، طبیعی و بدیهی است که می‌توانیم نیاز آن سرمایه‌گذاری ۹۰۰ میلیون دلاری را (که بازگشتش بیش از چهار میلیارد دلار است) تأمین نماییم.

البته این برداشت سوبسید همان طور که در کمیسیون تلفیق هم مطرح شد، حرکتی است در جهت عدالت اجتماعی، چون کسانی که بیشترین استفاده را از این سوبسیدها می‌نمایند، خانواده‌های توانگر هستند و در نتیجه توانگران کشور، از سوبسیدهای دولت بیشتر بهره‌مند می‌شوند تا قشرهای ضعیف جامعه. البته حذف تدریجی سوبسید و کاهش میزان آن هم در برنامه قید شده که حتماً باید همزمان باشد با ارائه روش مناسب از طرف دولت برای

شرکتهای دولتی مکلف هستند قبل از ارائه پیشنهاد بودجه سالانه خود به مراجع ذی ربط، قبلاً نظر سازمان امور استخدامی را کسب نمایند، با توجه به اینکه خود بودجه سالانه، مراتب متعددی را طی می‌کند، فکر نمی‌کنید این امر باعث طولانی‌تر شدن مسیر بودجه بشود و آیا اساساً این مورد اختیارات دستگاه آماده‌کننده را محدود نمی‌کند؟ پرسش محوری این است که این مورد مذکور با چه دید و دیدگاهی در تبصره گنجانده شده، آیا با عنایت به تبصره ۳۸، ضرورت اصلاح ساختاری و ادغام این دو سازمان (سازمان امور استخدام کشوری و سازمان برنامه و بودجه)، به باور شما، منطقی به نظر نمی‌رسد؟

آقای مهندس باهنر: در هر صورت، سازمان برنامه و بودجه و سازمان امور استخدام کشوری، دو معاونت در حوزه سرپرستی ریاست محترم جمهوری هستند که دو معاون رئیس‌جمهور، سرپرستی این دو سازمان را برعهده دارند. هر دو سازمانی ستادی هستند و طبیعی است که باید با هم کار بکنند. متأسفانه در برنامه اول ما اختلاف نظرهایی را بین این دو سازمان شاهد بودیم که بعضی از آنها، همان طور باقی ماند و مشکل مزمن شد. شاید شاهدش همین ادعای بخش آموزش و پرورش با دو سازمان امور استخدام کشوری و سازمان

فعالتهای توسعه، این باشد که کلیه برنامه‌ها و پیمانها باید داخلی و از درون کشور سرچشمه بگیرد و مواد و نیروی اجرایی، از امکانات خودمان تأمین بشود، مگر آنکه امکانات تأمین و اجرا را در داخل کشور نداشته باشیم که در آن صورت هم پیمانکاران داخلی، با بهره‌گیری از دانش و تجارب کارشناسان ذیصلاح خارجی باید اهداف سازمانی خودشان در چارچوب قانون و برنامه مصوب، ادامه بدهند؛ نه اینکه قرارداد با خارج بسته شود و آنها با سود کلانی که برای خودشان در نظر می‌گیرند، ساخت و راه‌اندازی امور را با نیروهای داخلی ما انجام بدهند.

ما به طور کلی مانع قانونی نداریم. ما صرفاً مشکل اجرا و باورها را داریم. هنوز تصمیم‌گیرندگان بسیاری را در سطح کشور داریم که تصورشان بر این است که پروژه‌ها به صورت «کلید در دست» باید اجرا بشود و این یعنی دست‌یازی آسان به مقاصدی که امکان فراگیری تکنولوژی و آموزش پروسه عمل، از آن حذف شده و با دنباله‌روی راحت طلبانه، از پویایی مردم کشورمان بهره‌وری نگردیده و جلوی انتقال تکنولوژی هم با پذیرش طرح پروژه‌های «کلید در دست»، گرفته شده است.

□ مجلس و پژوهش: جناب آقای مهندس باهنر! در تبصره ۹۴ برنامه دوم پیش‌بینی شده است که کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات و

آقای مهندس محمدرضا باهنر:
* منابع نفتی ما محدود است و اگر طبق پیش‌بینی‌های کارشناسان، خوب عمل کنیم، حداکثر ظرف دو برنامه آینده، می‌توانیم روی درآمدهای نفتی حساب باز نماییم. طبق محاسبات انجام شده در برنامه دوم، حداکثر ۷۰ میلیارد دلار و در برنامه سوم هم بیش از ۴۰ یا ۵۰ میلیارد دلار درآمد نفتی خواهیم داشت که به این ترتیب، در برنامه چهارم مقوله‌ای به عنوان درآمد نفت، از برآوردهای ما خارج می‌شود و نمی‌شود رویش حساب کرد.

* ما در برنامه دوم سعی کرده‌ایم «سرعت حرکت» به سوی تعدیل را، تعدیل کنیم و برای آنکه به آخرین نقاط اهداف دست‌یازیم، یک مقدار آن را طولانی‌تر هدفگذاری نموده‌ایم. طبیعی است که این «کُند کردن سرعت حرکت»، ضمن دربرداشتن نکات مثبت، احتمال دارد دارای نکات منفی هم باشد.

برنامه و بودجه باشد که نظرهای آنان با یکدیگر مغایرت دارد.

از سویی دیگر، این کارها قاعدتاً اموری نیستند که در زمان بررسی بودجه، در طول هم انجام بشوند. اینها می‌توانند در عرض همدیگر طرح گردند. بخش تلفیق سازمان برنامه و بودجه، هنگامی که می‌خواهد یک بودجه را تنظیم بکند از بخشی از دستگاهها، نظرات را می‌گیرد و چون سازمان اموراداری و استخدامی کنترل‌کننده تشکیلات دولت است و ساختارهای سازمانهای دولتی و کنترل ستادی آنها به عهده سازمان امور اداری و استخدامی کشور می‌باشد. بنابراین، در تبصره ۹۴ این پیش‌بینی گنجانده شده است. سازمان برنامه و بودجه، بودجه‌های جاری را باید حداقل در چارچوب مصوبات سازمان اموراداری و استخدامی یا شورای عالی اداری که در برنامه دوم هم پیش‌بینی شده، برآیند نماید و این معنایش این نیست که این کارها باید در طول هم انجام بشود و ایجاد معطلی بکنند. موقعی که بودجه یک سال تصویب می‌شود، شاید از یکی دو ماه قبل، دستگاهها برای بودجه سال بعد شروع به پیش‌بینی می‌نمایند.

این کار در طول سال باید انجام بشود و قاعدتاً دولت این سیستم را می‌تواند

تصور می‌کنم در همه این سرمایه‌گذارها و هزینه‌ها، صنعت سنگین ما، به هر حال دارای یک سری توفیقاتی بوده است که می‌تواند به کمک بخش صنعت بیاید. مثل ماشینهای راهسازی و صنعت پتروشیمی. با این همه، نباید گفته شود که به این بخش توجه نشده چون به قدر کافی بستر پویایی، تولیدی، پول و ارز، برایش فراهم شده است. وزارت معادن و فلزات گفته است که اگر ۲ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار به بخش معدن اختصاص بدهند با اتمام برنامه دوم به تمام اهداف پیش‌بینی شده جامع عمل خواهد پوشاند، همین طور در صنایع وابسته به معدن مثل فولاد و امثال آن که زیر پوشش معادن و فلزات است، ۳ میلیارد دلار متقاضی شده بود که کلاً خیلی بیشتر از آن چیزی که درخواست کرده و در برنامه پیش‌بینی شده بود، خرج صنعت و معدن گردید ولی در عمل به آنجا رسید که موجب استیضاح وزیر محترم در مجلس شد. بخش صنعت ظرفیت‌هایش کامل شده و اگر هم نشده، باید پاسخگو باشد که چرا در روند زمانبندی، به ثمر نرسیده است.

در بخشهای دیگر صنعت هم ما مسائلی داریم که باید شیوه استفاده از کار را تنظیم و اصلاح بکنیم تا نیاز جامعه را به همراه بالا بردن کیفیت، برآورده نماییم تا بخشی از آن به عنوان صادرات، ارزآور باشد و در عرصه رقابتهای خارجی جای مناسب و درخوری برای خودش پیدا کند.

طراحی بکنند بی‌آنکه وقت زیادی تلف بشود این کارها را باید هم عرض هم انجام بدهد. البته پیشنهاد ادغام این دو سازمان ستادی، پروژه قابل بحثی است که باید رویش کار کرد تا به ضرورت ادغام دو واحد ستادی در یک سازمان، با در نظر گرفتن وحدت مأموریتها، رسید. در قانون اساسی هم مدیریت این دو سازمان باید زیر نظر ریاست محترم جمهوری اسلامی فعالیت و منویات ریاست محترم جمهوری را باید اجرا نمایند و عملاً باید دارای مدیریتی واحد باشند.

□ مجلس و پژوهش: جناب آقای مهندس نوری! برنامه دوم در زمینه توسعه بخش صنعت چه رهنمودها و سیاستهایی را تدبیر کرده است؟

آقای مهندس نوری: تصور من بر این است که ۳۴ میلیارد دلار هزینه در بخش صنعت در برنامه اول، رقم بسیار قابل توجهی است. در تبصره قید شده که معادن باید فعال و مواد اولیه در داخل تولید و تأمین شود. در صنعت فولاد باید به خودکفایی برسیم، صنعت حمل و نقل راه بیفتد و پتروشیمی که فعلاً خوراکی است برای زنجیره‌های بعدی و به طور کلی، صنایع مختلفی که سرمایه‌بر بوده‌اند، باید به تولید برسند و مولد شوند و به کمک بخشهای دیگر بیایند.

تعقیب نمایند تا ما بتوانیم در بخش صادرات غیرنفتی، یک باری را از دوش اقتصاد ضربه پذیرمان برداشته باشیم و اساساً به عنوان یک «آلترناتیو»، صادرات غیرنفتی را پیش‌بینی نماییم.

من در همین جا تشکر قلبی خود و دوستانم را به خاطر تلاش حضرت‌عالی و همکاران مرکز پژوهشها اعلام می‌دارم که مطالب و آمار و اطلاعات مورد درخواست و نیاز ما را در اسرع وقت و نهایت صحت و دقت، فراهم فرمودید و برای تصمیم‌گیری در اختیار این کمیسیون و سایر کمیسیونها و نمایندگان محترم مجلس قرار دادید.

نتیجه این بازبینی‌ها این بود که ما پتانسیل بایسته را برای توسعه، اگر کافی برآورد نماییم، لازم برای توسعه غیرنفتی می‌دانیم. مشکل ما کمبود منابع برای این امر نیست. بلکه ما بیشتر مشکلات اداری و مقرراتی داریم. به همین جهت برای اینکه مشکلات اجرایی را از پیش پا برداریم، که این مشکلات نوعاً موانع ناشی از مقررات، آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و تعدد مراکز تصمیم‌گیری است، یک شورای عالی را با قوت و قدرت و با گستردگی اختیارات کامل، طراحی کردیم تا در برنامه پنجساله دوم آن شورا مآذون باشد که رأساً موانعی را که در پیش پای صادرات احساس می‌کند، بردارد و مقرراتی که آن شورای عالی در تبصره ۲۵ از آن یسار کردیم، کلاً برای دستگاهها مطاع و لازم‌الاجراست و نیازی نیست برای رفع این موانع، بیایند و از قوه مقننه، اجازه قانونی بگیرند. مشخصاً در

□ مجلس و پژوهش: جناب آقای دکتر نوبخت! به اعتباری می‌شود ارزیابی کرد که بحث صادرات غیرنفتی در برنامه که دارای چارچوب بسیار مناسب و خوبی هم هست، از نقاط روشن و چشمگیر تقنین دوره چهارم بود که هدایت‌های خیلی محکم و روشنی در ارتباط با صادرات غیرنفتی به جا گذاشت. به این مسأله در رهنمودهای مقام معظم رهبری، به صورت برجسته اشاره شده و مورد تأکید قرار گرفته بود. مجلس هم با «راهکار»های خوبی به آن پرداخت. روح کلی حاکم بر این هدایتها چه بود؟

آقای دکتر نوبخت: بحث صادرات غیرنفتی یک مقوله جدیدی نبود که ما در برنامه دوم بخواهیم به آن پردازیم، هر چند که در برنامه اول هم جای پای محکمی نداشت.

در فاصله سالهای برنامه اول تا برنامه دوم، به خصوص سالهای پایانی برنامه اول که با کاهش چشمگیر قیمت نفت مواجه شدیم و درآمدهای ارزی ما به شدت محدود و متأثر گردید، گروهی از متخصصان احساس تکلیف کردند که این مورد را

امکان صادرات برای آنها وجود ندارد. مثلاً انار که برای ما یک میوه رایج و معمولی است برای اروپاییان به عنوان یک میوه لوکس مطرح است و ما می‌توانیم انار را هم صادر کنیم. همچنین انواع گوناگون سبزیجات ما در بعضی کشورها اصولاً وجود ندارد و می‌تواند زمینه کاملاً مستعدی با توجه به ذائقه آنها، برای صادرات محسوب شود.

ما تا وقتی که سردخانه نداشته باشیم و گمرکاتمان اجازه ندهد، مشکلات مقرراتی و اداری صادرات را هم داشته باشیم، مشکل بتوانیم کالاهای قابل رقابت به بازارهای جهانی عرضه بداریم. یکی از صادرکنندگان اروپایی می‌گفت که این چیزی که شما به ما می‌رسانید خیلی له و لورده شده و نامناسب است، در حالی که ما احساس می‌کنیم اصل محصول شما حتماً دارای کیفیت بالایی است ولی آنقدر دچار لطمات بسته‌بندی و حمل و نقل می‌شود که از کیفیت مطلوب می‌افتد.

به هر تقدیر، اگر برای اینها که ما در برنامه دوم برایشان «راهکار» پیش‌بینی و بانک مرکزی را در خصوص اعتبارات و تسهیلات در این زمینه موظف کرده‌ایم، حتی مناطق حراست شده را در نظر داریم که در صورت ایجاد شرایط مطلوب، توسعه بدهیم، شاید ما مشکلی در خصوص صادرات غیرنفتی نداشته باشیم و لازم است که برای مقایسه اعداد برنامه اول و دوم را در

تبصره ۲۵ که خط‌مشی صادرات را بیان می‌دارد و ترسیم می‌کند، این شورای عالی با مسئولیت ریاست محترم جمهوری یا معاون اول، تشکیل می‌شود و عمدتاً وزرای بازرگانی، صنعتی، امور اقتصاد و دارایی، کشاورزی، جهادسازندگی و رؤسای کل بانک مرکزی و گمرک و اتاق بازرگانی در آنجا عضویت خواهند داشت. اجازه دادیم که اعضای این شورا خودشان تصمیم‌گیری نمایند و دستگاهها هم اجرا نمایند. اعلام کردیم که این صندوق ضمانت صادرات، برای آن بخشی که بیمه نوعاً به جهت ریسک‌پذیری، از بیمه کالاهای آنان امتناع می‌کند، صندوق توسعه صادرات طی تشریفات جبران نماید و در ارتباط با داشتن یک بانک اطلاعاتی که اطلاعات «به روز» را فراهم آورد تا آنها بتوانند از بازارهای جهانی اطلاعات، آشنایی «به روز» داشته باشند. در جهت تجهیز گمرکات کشور، داشتن انبارهای فنی و سردخانه‌ها بسیار ضروری است زیرا که نبودشان صادرات ما را در رقابت و مسابقات جهانی همیشه عقب می‌اندازند، به خصوص کالاها و محصولات کشاورزی ما را که کاملاً قابل رقابت با انواع مشابه خارجی خود می‌باشند و در پاره‌ای از موارد، جوامع مصرف‌کننده جهان، از داشتن قسمتی از محصولات مخصوص و منحصر به فرد ایران محروم هستند و کاملاً به سبب فراهم بودن شرایط و زمینه مناسب، از آن استقبال زیادی هم می‌نمایند؛ اما متأسفانه

آقای دکتر محمد باقر نوبخت
حقیقی:

* من بهره‌وری را بیشتر در تغییر روشها می‌بینم تا در تشکیلات. چون ساختار اداری ما در کشور به گونه‌ای است که در پاره‌ای از موارد، کاهش تشکیلات نمی‌تواند این نظر را، به لحاظ ساختاری، تأمین کند. اگر ما بیایم این روشها را در مجموعه تشکیلات دولت تغییر بدهیم، به این نقطه مطلوب خواهیم رسید.

* ما مجموعه صادرات کشور را در برنامه دوم توسعه، چیزی حدود یکصد میلیارد دلار پیش‌بینی کرده‌ایم که از این میزان، ۷۳ میلیارد دلار آن صادرات نفت است و ۲۷ میلیارد دلار آن صادرات غیرنفتی است.

* انتظار ما در برنامه دوم این است که این محدودیتها که یک نوع سیاستهای انقباضی واردات محسوب می‌شود، حجم وارداتمان را نسبت به میزان واردات برنامه اول، کاهش بدهد.

محمد باقر نوبخت

همین جا مطرح نمایم:

ما مجموعه صادرات کشور را در برنامه دوم توسعه، چیزی حدود یکصد میلیارد دلار پیش‌بینی کرده‌ایم که از این میزان ۷۳ میلیارد دلار آن صادرات نفت است و ۲۷ میلیارد دلار آن صادرات غیرنفتی است. در حالی که ما متناظر این عدد را در برنامه اول، بیش از ۱۷ میلیارد دلار نداشتیم که آن هم تأمین نشد. نتیجه بررسیها نشان داد که مشکلات اجرایی موجود، مانع از رسیدن به حد قابل قبول و پیش‌بینی شده در برنامه گردیده است.

این صادرات غیرنفتی است که در واقع رقم ۱۰۰ میلیارد دلار را با صادرات نفتی تشکیل داد که ما بتوانیم در قبال ۹۱ میلیارد دلار واردات، چیزی در حد ۹ میلیارد دلار تراز بازرگانی مثبت داشته باشیم و از این رقم می‌توانیم ۸ میلیارد و ۲۰۶ میلیون دلار، تعهدات موجود را کاهش بدهیم و در جهت محدود کردن بدهیهای خارجی، قدم برداریم.

□ مجلس و پژوهش: براساس آخرین آمار ما، تاکنون ۹۵ درصد از دانشجویان، در دانشگاه آزاد مشغول تحصیل هستند، برنامه دوم هم مکلف کرده است که تعداد مراکز

- کاملاً تحت نظارت داشت. سهمیه دانشگاه‌های دولتی هم باید حتماً محفوظ و برقرار بماند و ما در نهایت تعدیل هم، هیچ زمانی اعتقاد نداشته‌ایم که دانشگاه دولتی وجود نداشته باشد یا اینکه از بین برود. حتماً باید سهم دولت حفظ بشود و دانشگاه‌هایی را که یک کشور رویشان حساب باز کرده و با بودجه دولت سالها اداره شده‌اند همچنان به کارشان ادامه بدهند. باید دانشگاه‌های دولتی برقرار باشند و در کنارشان، بخش خصوصی هم نباید با عملکرد بدون نظارت و آزاد، انحصار آموزش عالی را در دست بگیرد. به خصوص همین انحصاری که فعلاً در دانشگاه آزاد متمرکز شده، انشالله به سمت نوعی اعتدال هدایت بشود تا سایر بخشها هم بتوانند بنابر ضرورت و در چارچوب قانون، مجال حضور بیابند.

آقای مهندس نوروزی: اجازه بدهید در جهت تکمیل بحث آقای مهندس باهنر عرض بکنم که در حال حاضر ما منابع مالی و پشتیبانی کننده‌ای مثل کارخانه‌ها، سازمانها و مؤسسات صنعتی و تولیدی داریم که می‌توانند در تقویت و ایجاد مراکز آموزشی مجاز و استاندارد، مؤثر و مفید باشند، هم از نظر تأمین منابع مالی و هم از نظر تجارب و دانشهای فنی، که در نهایت فارغ‌التحصیلان به همان مراجع باز می‌گردند تا اندوخته‌های تئوریک و عملی خود را برای گسترش شاخه‌های گوناگون صنعت، به کار بگیرند.

آموزش عالی غیردولتی افزایش بیابد
و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های
غیردولتی هم با مکانیزم به وجود
آمدن شرایط رقابتی، افزایش پیدا
بکنند. جناب آقای باهنر! با توجه به
این انحصار طلبی، چگونه می‌شود از
فضای رقابتی و افزایش کیفیت
دانشجویان غیردولتی سخن گفت؟

آقای مهندس باهنر: در واقع آنچه که ما در برنامه دوم پیش‌بینی و مکلف کرده‌ایم، صرفاً لغو و شکستن انحصارات دولتی نیست، بلکه ما مدعی هستیم که اگر ضرورت نداشته باشد، نباید به طور کلی در هیچ بخشی انحصار وجود داشته باشد؛ چه در بخش دولتی، چه تعاونی و چه خصوصی. چون بیشترین انحصارات در حال حاضر در دست دولت است، موقعی که بحث از «لغو انحصارات» پیش می‌آید عموماً اذهان معطوف به بخش دولتی می‌گردد، اما این را باید کاملاً تعمیم داد و مسأله را در سایر بخشها هم ساری و جاری نمود. آنچه که در مورد انحصار آموزش فرمودید، درست است. باید زمینه دانشگاه‌های غیردولتی و مراکز آموزش غیردولتی بیشتر بشود (مثل مدارس غیردولتی که در حال حاضر در بخش آموزش و پرورش وجود دارد)، دانشگاهها هم باید به سمت همان شیوه عملکرد سوق پیدا کنند. بدیهی است که باید با نظارت عالی و متمرکز، آموزش عالی را - از هر نظر

روش غیرصیانتی از مخازن خود برداشت کنیم، موجبات هدرروی و دور از دسترس شدن ثروت ملی را، بیشتر فراهم کرده‌ایم و این به زیان آینده صنعت نفت کشور است. ولی در هر صورت به دلیل نیازهای مفرط ارزی کشور، این امر انجام شده و هم اکنون هم در جریان اجراست. این در حالی است که در برنامه هم مؤکداً بر ممنوعیت استفاده غیرصیانتی، اشاره شده است.

ما در بودجه سال ۷۴، به دلیل عدم کارآیسی و غیرعملی بودن طرح این ممنوعیت، دیگر ذکری از آن نکردیم؛ چرا که دیدیم فایده‌ای ندارد که نوشته بی تأثیری را در قانون بیاوریم ولی در اجرا بدان عمل نشود. به هر حال بر اثر اضطرار، دولت باز هم به روش غیرصیانتی، از نفت برداشت خواهد کرد و ما برای رفع این مشکل باید بر سرعت تزریق گازهایمان به چاه‌هایی که غیرصیانتی از آنها بهره‌وری می‌شود، بیفزاییم و میزان تولید صیانت نشده‌مان را - بدون کاهش در تولید - از این طریق کاهش بدهیم.

این امر می‌تواند مقداری از بار آن تمرکز و انحصار آموزشی که فعلاً حول محور دانشگاه آزاد می‌گردد، بکاهد.

البته مشروط بر آنکه آن شرکتها و کارخانه‌ها و مؤسسات تولیدی و صنعتی، دولتی نباشند که مجدداً طیف بخش دولتی سنگین‌تر بشود.

□ مجلس و پژوهش: جناب

آقای مهندس یحیوی! در برنامه، با ثبات سطح تولید نفت، درآمد نفت را با مبالغ بالایی پیش‌بینی کرده‌اند، از سوی برخی این نگرانی مطرح شده است که تولید احتمالاً غیرصیانتی خواهد بود. آیا این برداشت مورد تأیید شما هم هست؟

□ مجلس و پژوهش: جناب

آقای دکتر نوبخت! در زمینه واردات، در برنامه پیش‌بینی شده بود که میزان واردات در سال ۱۳۷۲، مبلغ ۱۵/۸ میلیارد دلار و در سال ۷۳ رقم ۱۶/۵ میلیارد دلار خواهد بود. اما آمارهای تازه منتشر شده نشان می‌دهد که واردات سال ۷۲ حدود ۲۰ میلیارد دلار است. آمار سال ۷۳ هم که هنوز منتشر نشده، ولی از قرار قرائن

آقای مهندس یحیوی: در هر سه قانون بودجه‌ای که تاکنون به تصویب رسانده‌ایم و در بودجه‌های سنوات قبل، به طور کلی برداشت غیرصیانتی از مخازن و منابع نفت، ممنوع شده، ولی متأسفانه به این ممنوعیت قانونی، تاکنون جامعه عمل پوشانده نشده است. دلیلش هم نیازهای مبرم ارزی کشور است و به تعبیری، «دفع افسد به فاسد».

در عین حال، این ذهنیت وجود دارد که این رویه به زیان کشور است و هر چه ما، به

ترتیب اگر برای واردکننده، ارائه فاکتور خرید ارز از بانک مرکزی در گمرک یک مینا باشد، قهراً ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که هرکس بتواند از ارزشهای سیستم بانک مرکزی هم، کالایی را وارد بکند. به این ترتیب بخشی از واردات خودبه‌خود از دور، حذف می‌شود و در کنار آن برای واردات انواع کالاها، محدودیتهایی ایجاد شد که در برنامه اول این محدودیتها به هیچ‌وجه وجود نداشت و هرکس می‌توانست با منابع ارزی بخش خصوصی، کالاهای موردنظر را وارد بکند، در حالی که این هم به عنوان یک سیاست، دگرگون شد و مقرر گردید کالاهای مشخصی که رسماً تعیین می‌کنند، از خارج وارد بشود.

به این ترتیب انتظار ما در برنامه دوم این است که با این محدودیتهایی که به تعبیری یک نوع سیاست انقباضی واردات محسوب می‌شود، حجم وارداتمان هم نسبت به واردات برنامه اول، کاهش یابد. به نظر من این نگرانی با آن سیاستها جبران خواهد شد.

□ مجلس و پژوهش: در تبصره ۲۵ که خطوط کلی صادرات مطرح است، هم ترکیب اعضای شورا را داریم، و هم صندوق تضمین صادرات را. به نظر می‌آید صندوق تضمین صادرات یک مقدار مسؤولیت‌های بیمه‌ای به عهده گرفته است که قاعدتاً درست‌تر بود از نظر سازمانی و تخصصی، بر عهده بیمه

مشهود است که از رقم پیش‌بینی شده در برنامه بالاتر است.

آیا فکر نمی‌کنید که این ارقام، میزان تراز پیش‌بینی شده برنامه را مقداری کم و زیاد کند و ما را که به مثبت شدن تراز بازرگانی خارجی فکر می‌کنیم، با اشکال مواجه نماید؟

آقای دکتر نوبخت: اگر تحولات سالهای برنامه را با همان آهنگ و سیاق برنامه اول ببینیم، من با شما هم نظر هستم؛ ولی دگرگونی اساسی اواسط سال ۷۲ در سیاستهای ارزی و حتی پولی کشور، خودبه‌خود موجب تحدید واردات گردید. ما با روشی که در برنامه اول پیش‌بینی کرده بودیم، متأسفانه باید انتظار می‌داشتیم که واردات نسبت به آنچه که در برنامه تصویب شده بود، افزایش داشته باشد، اما پاره‌ای از مضایق که می‌توانیم افزایش تعهدات خارجی و سررسید شدن آنها و محدودیتهای ارزی را که به صورت جدی در سال ۷۲ و مشخصاً از اواسط سال ۷۲ با افزایش برابری نرخ دلار در برابر ریال، در بازارها پیش آمد، نظام را به این نتیجه رساند که سیاستهای انشا شده و ثبت شده برنامه اول را، باید از طریق کمیته تنظیم بازار ارز دگرگون کرد. این امر باعث شد که در خصوص گشایشها و واردات، محدودیت ایجاد کند به طوری که هر کالایی را که می‌خواهند وارد کنند باید حتماً ارز آن از کانال بانک مرکزی تأمین شود. به این

آقای مهندس عبدالله نوروزی:
* برنامه اول به هر حال نخستین تجربه جمهوری اسلامی ایران بود و ما تجارب زیادی در طراحی، سیاستگزاری و اجرایی برنامه نداشتیم و دولت هم با همه سعی و تلاشی که کرد، نتوانست در چارچوب مقرر در برنامه، خودش را به سرعت هماهنگ نماید، با وجود این، نتایج به دست آمده، بسیار امیدوارکننده بود.

* اصولاً ایجاد کمیسیون تلفیق را از کارهای بسیار خوب این مجلس می دانم. این نهاد مثبت و کارساز در این سه چهار دوره مجلس از بسیاری جهات، واقعاً نقش ساز بوده است.

* این امید هست که با توسعه شبکه گازرسانی به شهرهای بزرگ و عمده کشور، جمعیت زیادی از این انرژی به جای نفت بهره‌وری نمایند که این خود در کاهش مصرف نفت مؤثر است.

میزگرد

مرکزی ایران محول بشود، یا حداقل در ترکیب شورای مذکور، حضور رئیس کل بیمه مرکزی ایران هم پیش‌بینی می‌شد تا بتوان حمایت‌های لازم را از بیمه برای صندوق تضمین صادرات گرفت؟

آقای دکتر نوبخت: من اشاره می‌کنم که یک عامل دیگر که در گزینش رقم ۲۷ میلیارد دلار، به عنوان یک روند واقع‌بینانه صادرات غیرنفتی، ملاک است، (غیر از پتانسیل‌های موجود و ثابت ما)، گشوده شدن بازارهای جدید از جمله بازارهای آسیای میانه و بازار کشورهای مشترک‌المنافع می‌باشد. در این زمینه، مؤکداً می‌گویم هر میزان کالایی را که بتوانیم به روسیه صادر کنیم امکان جذبش در آنسجا و سایر کشورهای مشترک‌المنافع و آسیای میانه وجود دارد.

مسأله اینجاست که آیا همه آن کالاهایی را که امکان صادراتشان هست، ما می‌توانیم از طریق بیمه پوشش کافی بدهیم؟

قبول بفرمایید که اگر بیمه به عنوان یک کار مستقل اقتصادی مطرح بشود ما نمی‌توانیم شرکت بیمه را مکلف بکنیم که هر امری را که از دید مقررات آنها (به عنوان یک بخش مستقل)، توجیه‌پذیر نیست،

انرژی در کشور هستند که ظاهراً شورای عالی انرژی هم که در قانون پیش بینی شده، آن گونه که شاید باید، در زمینه هماهنگی و مدیریت کلان بر مقوله انرژی چندان نقشی نخواهد داشت. جنابعالی برای رفع این مشکل چه پیشنهادهایی دارید؟ آیا عملاً باید سازمانی را مسئول اعمال این مدیریت حساب شده کرد، یا در اندیشه تقویت این شورا بود؟ چگونه می شود شاخصهای مطرح در پیش بینی قانون و مجلس را با تعدد مراجع تصمیم گیری، ردیابی و نظارت نمود؟

آقای مهندس یحیوی: پیش از پاسخ به این پرسش، لازم است قدری به سؤال پیشین شما برگردم. افزون بینی تولید و درآمد حاصل از نفت، ما را به برداشت غیرصیانتی از مخازن نفت وامی دارد و من، شخصاً این را یک ضرر تنها نمی بینم.

ما با غیر واقع بینی (که به اعتقاد من آنچه را که ما در برنامه پیش بینی کرده ایم، خوش بینانه بوده است)، ۶۸ میلیارد دلار، کل درآمد حاصل از فروش نفت خام و فروش فرآورده را پیش بینی کرده بودیم که با تصور به اینکه برنامه پنجساله دراز مدت است و تغییراتی ممکن است در طول برنامه به وجود بیاید، ما نمی خواستیم دست دولت را برای اجرای برنامه ها و پروژه هایش ببندیم. ولی شما ببینید که اثرات سوء این افزون نگری و غیر واقع نگری از درآمد نفت،

مشخصاً بیمه نمایند. به همین جهت ما در جزء ۳ بند الف تبصره ۲۵، این چنین پیش بینی کرده ایم که «به منظور حفظ حقوق و حمایت از صادرکنندگان در قبال خدمات خاص ناشی از عواملی که معمولاً شرکتهای بیمه تجاری آنها را بیمه نمی نمایند...»، چنین و چنان بشود. یعنی در واقع ما اصل را بر این قرار داده ایم که حتماً باید بیمه بشوند، حال اگر مشکل خاصی دارند و اجبار کردن هم در منطق اقتصاد جایی ندارد، دولت را مجاز به اتخاذ تصمیماتی در چارچوب قانون کرده ایم.

صندوق ضمانت صادرات هم الان یک صندوق موجود و دارای یک شخصیت حقوقی است، منتها در حال حاضر این صندوق، محدودیتهایی از طرف مرکز توسعه صادرات دارد و ما در بند «سه» قید کرده ایم که صندوق به صورت یک شرکت دولتی که دارای شخصیت حقوقی است، مستقل باشد، یعنی این صندوق را تقویت کردیم. برای اینکه هم منطق اقتصادی و هم فلسفه اداری را رعایت بنماییم و در کنارش این صندوق را هم تقویت بکنیم، بند سوم را در تبصره گنجانده ایم.

□ مجلس و پژوهش: جناب

آقای مهندس یحیوی! دولت و مجلس بر این اعتقاد هستند که منابع زیادی به خاطر فقدان مدیریت شایسته انرژی از بین می رود. از سوی دیگر مسئولان متعددی در بخش

می تواند جبران کاهش نفت چاههای قدیم را بنماید) ما تا به حال - که بیش از نه ماه از سال گذشته است - کمتر از ۵۰۰ میلیون دلار برای بخش نفت هزینه کرده ایم و آن هم به صورت ۳۰۰ میلیون نقد و ۲۰۰ میلیون یوزانس یک ساله و دو ساله.

می دانید که یوزانس صرفاً برای پروژه های بزرگ قابل توجه است نه برای خرید وسایل سرچاهی، مثل خرید چند پمپ و شیر و... هر قطعه ای از تجهیزات و وسایل سرچاهی از جایی باید خریداری شود که طبعاً نقدی عمل خواهد شد. ما توان جبران و تأمین اُفت طبیعی حاصل از برداشت از چاهها را نداریم. حاصل چه شده؟ این بوده که میزان برداشت ما از مخازن، نسبت به مدت مشابه در سال قبل، ۱۲۰ هزار بشکه کاهش داشته است. دلیلش هم این است که قرار بوده حدود ۱۰۲ یا ۱۰۳ حلقه چاه حفر بکنند ولی تا امروز بیش از ۴۰ حلقه حفر نشده است. آن چهل تایی هم که حفر شده، وسایل سرچاهی لازم را ندارند که به برداشت برسند.

از ۴۰ دستگاه حفاری که در کشور داریم، فقط ۱۰ دستگاه آن فعال است و دارد کار می کند. این در حالی است که قریب ۲۰ درصد اضافه درآمد نسبت به بودجه سالانه داریم. سؤال این است که اگر ۱۵ تا ۲۰ درصد کمتر از بودجه، درآمد داشتیم، در آن هنگام چه وضعیتی از نظر تجهیزات سرچاهی بر ما حاکم بود؟

با توجه به اینکه پرداختهای ما در گذشته گاهی عقب می افتاد که آنها را استمهال

ما را به کجا دارد می برد! ما برای سال ۷۳، مبلغ ۱۰/۵ میلیارد دلار، در برنامه پیش بینی تولید نفت و درآمدهای ثابت آن را کرده بودیم. آنهایی که می خواستند با تحت فشار قراردادن ما، رشد و افزایش تولیدمان را پایین نگهدارند، وقتی دیدند که ما معقولانه آن را در حد بایسته ثابت کرده ایم، دیگر زمینه سازی برای ایجاد ضرر و زیان متقابل فراهم نکردند. ولی کم کم نرخ سودهایشان را بالا بردند که ما الان به طور متوسط دارای ۱۴/۵ تا ۱۵ درصد نرخ متوسط سود در ۵ ماهه اول سال می باشیم.

با وجود اینکه، هر ماهه تقریباً ۱۲۰ میلیون دلار اضافه درآمد داریم و شاید تا پایان سال به ۲ میلیارد دلار هم برسد، با وجود این ما نتوانستیم تعهداتی که نسبت به وزارتخانه ها و دستگاههای اجرایی داشتیم، پردازیم، البته با وجود داشتن ۲ میلیارد دلار اضافه درآمد. این ما را به جایی می رساند که منابع و چاههایی را که قرار است در سال ۷۳، مبلغ ۱/۵ میلیارد دلار صرف مخارج و هزینه مرمت و نگهداری و پشتیبانی آنها بنماییم. تا جلوی اُفت تولیداتشان گرفته شود، (اُفت تولید سالانه حدود ۲۰۰ هزار بشکه است که این میزان برابر هزینه ایجاد و حفر تجهیز چندین چاه جدید می باشد که

برنامه‌ریزیها و مقررات ویژه خود را دارد و مستقل از کل مجموعه کاملاً به هم مرتبط، عمل می‌کند و این به معنای آن است که یکی از عوامل بازدارنده پیشرفت، در همین نبود هماهنگی‌کننده است.

اگر مدیریت کلانی با هماهنگی کامل، اشراف تام بر مجموعه وزارتخانه‌ها، سازمانها و کل تشکیلات، نظارت روان و جاری و همسانی داشته باشد، در اجرای امور، هیچ نیرو و سرمایه‌ای عاطل، بلا تکلیف و سرگردان باقی نخواهد ماند. مشکل اساسی، عدم هماهنگی و ضعف مدیریت کلان است نه کمبود تشکیلات.

تشکیلات جدید - تحت هر عنوان و اسمی - دردی را دوا نمی‌کند و گره‌گشا نیست. حال چه شورای جدید انرژی باشد و چه ایجاد یک هزار فروشگاه زنجیره‌ای که ما شباهش را با اسم «شهر و روستا» آماده و پُر تجربه در سطح شهرهای کشور داریم و از نظر مکان و تجهیزات نیز با مشکل چندانی مواجه نیستند (شاید بازوهای اجرایی مناسب نباشند و یا مدیریت مطلوب نباشد در آن صورت هم می‌شود با جایگزینی، این کاستیها را جبران نمود و وضع موجود را نسبت به شرایط بهتر، متحول کرد). اعتقاد من بر این است که باید روح همکاری را در مسئولانمان به وجود بیاوریم تا هر مسؤولی بداند که نسبت به جمیع جنبه‌های موجود و مسائل کشور باید احساس مسؤولیت بنماید نه صرفاً در بخش

می‌کردیم، ولی حالا دیگر امکان ندارد که بیاییم و آنچه را که پیشتر استمهال کرده بودیم، دوباره بازپرداختش را تمدید نماییم و یا موعد پرداختش را به تأخیر بیندازیم. در آن صورت دیگر اعتباری برای کشور باقی نخواهد ماند. بنابراین باید برنامه را طوری تنظیم کنیم و درآمدهایمان به نحوی مطمئن و یقینی باشد که ما بتوانیم اقساط سررسیده و استهمالی خود را به موقع پرداخت نماییم. ما باید به نفت که منبع اصلی آن بازپرداختهاست، حتماً اعتبارات لازم را برای مرمت و حفظ تولیدش بپردازیم تا بتواند به تولید خودش ادامه بدهد. این درآمد متورمی که پیش‌بینی شده، به اعتقاد من، ما را به هدف مطلوب نخواهد رساند و حتماً دچار اشکالمان خواهد کرد. این است که آن افزون‌بینی، ضررش به شکل برداشت غیرصیانتی از چاهها بروز می‌کند و این را باید حتماً در بودجه سال ۷۴ مشخص و تثبیت کنیم تا بتوانیم نیازهای جاری و تعهدات خود را تأمین نماییم.

در مورد مدیریت انرژی که بحث شورای انرژی هم در آن مطرح است، باید بسیار مختصر داورى کنم که ما در کل مملکت، فاقد یک مدیریت مشرف بر کلیه امور هستیم و به اصطلاح هماهنگ‌کننده خوشفکر، سریع، موقعیت‌سنج و مجموعه‌ساز نداریم.

هر وزارتخانه و تشکیلاتی، مستقل از سایر وزارتخانه‌ها و مؤسسات، اقدامات و

آقای مهندس سید محسن یحیوی:
 * از ویژگیهای درخشان برنامه دوم، اجرای تمام عیار منویات و رهنمودهای مقام معظم رهبری در مورد توجه به قشرهای ضعیف و آسیب پذیر، تلاش برای گسستن از وابستگی به درآمدهای نفتی، کوشش در جهت کاهش بدهکاریهای خارجی و اولویت دادن به بخش آب و کشاورزی است. در مورد کاهش بدهی های خارجی، دولت برنامه ریزی کرده بود که ۴ میلیارد دلار کاهش از آغاز تا پایان برنامه داشته باشد ولی مجلس این رقم را به ۸ میلیارد دلار تبدیل کرد، با این تأکید مؤکد که مانده بدهیها در پایان برنامه دوم نباید به گونه ای باشد که تنظیم بودجه برنامه سوم، دچار مضیقه شود.
 * کارشناسان نظر داده بودند که اگر موتور وسایل نقلیه را که هم اینک در سطح شهرها و بیابانها مشغول فعالیت هستند. «تنظیم موتور کنیم»، حداقل ۳۰ درصد در مصرف انرژی صرفه جویی کرده ایم.

خودش. نهایتاً و در یک کلام، سیستم باید هماهنگ و همسو و تحت مدیریتی کلان، پیش برود.

در پایان، تشکر می کنم از برادران مسؤول مرکز پژوهشها و تلاش بسیار بسیار مثبت و مؤثر و ارزنده آنها که در طول برنامه و ادامه اش در بودجه، انجام داده و می دهند. در مورد ضرورت و جایگاه رفیع این مرکز بحث بسیار است به همان قدر بسنده می شود که این مرکز یکی از مطمئن ترین مراجع اطلاع رسانی و حوزه های کارشناسی هدفمند و به روز و قوی، برای هدایت مسؤولان کشور و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی است.

□ مجلس و پژوهش: سؤال

بعدهی در مورد سیاستهای بانکی است. با توجه به اینکه سیستم بانکی را نمی توانیم مکلف بکنیم که غیراقتصادی و در جهت دستورات عمل بنماید، به نظر می آید که در بعضی جاها، قانون به این دستورتن در داده، مثلاً در تبصره ۹۰ مقرر شده که سقف تسهیلات سیستم بانکی قابل واگذاری به بانک مرکزی و کلیه بانکهای کشور به بخش دولتی و

نقدینگی و تورم بودیم، به دنبال یک راهکار برآمدیم که بتواند این نرخ تورم را مهار نماید. چون ساختار اقتصادی کشور ما هم به گونه‌ای است که نرخ تورم ما ناشی از نرخ نقدینگی است. نرخ نقدینگی هم ناشی از سه عامل است که نقدینگی را تشکیل می‌دهد یعنی: خالص داراییهای خارجی بانک مرکزی و بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی، همچنین بدهی بخش خصوصی به سیستم بانکی. یعنی نوعاً این بدهیهاست که نقدینگی را تشکیل می‌دهد. نرخ تورم در سال ۷۳، متأسفانه برخلاف آنچه که در برنامه پیش‌بینی کرده بودیم پیش آمده بود. ما نرخ تورم را در سال پایانی برنامه، تک رقمی پیش‌بینی کرده بودیم که متأسفانه به این رقم برنامه نرسیدیم. ما حدود هشت درصد رشد نرخ تورم را در سال ۷۳ پیش‌بینی می‌کردیم در حالی که این رقم اقلأً به حدود ۲۶ درصد رسید. با این توضیح، آمدیم برای اولین بار در بودجه سال ۷۳، حکمی دادیم بر این منوال که بدهی این بخشها به بانکها و یا تغییر مانده بدهیها، نباید بیشتر از ۷ هزار میلیارد ریال باشد.

این محدود کردن هفت هزار میلیارد ریال را (مخصوصاً سه هزار و پانصد میلیارد ریال آن را برای بخش خصوصی در نظر گرفته بودیم و بقیه را برای بخش دولتی)، یک اقدام بسیار مثبت می‌دانیم چرا که این اقدام به شدت با استقبال سیستم بانکی هم مواجه شد. سیستم بانکی که همیشه

خصوصی و تعاونی، نسبت به مانده سال ۷۳، فقط تا حد ۴۳ هزار میلیارد ریال افزایش پیدا کند.

پرسش این است که در صورت انباشت سپرده‌های مردم در نزد سیستم بانکی، مازاد بر این مبلغ را، سیستم بانکی باید چکار کند؟ آیا باید ضرر بدهد؟ آیا اصولاً درست است اجازه بدهیم که بانکها با نرخ سود متغیر، عرضه و تقاضای منابع و تسهیلات بانکی را متعادل کنند تا بتوانند اقتصادی عمل نمایند؟
جناب آقای نوبخت...

آقای دکتر نوبخت: من از دید دیگری فکر می‌کنم که گزینش و انتخاب عدد ۴۳ هزار میلیارد ریال در طول پنج سال، برای تغییر مانده بدهیهای بخشهای مختلف به بانکها، یک نقطه بسیار مثبت باشد. چون ما که هیچ موضوعی را به صورت مجرد بررسی نمی‌نماییم و باید حتماً به وضعیت موجود توجه داشته باشیم. وقتی که هیچ‌گونه محدودیتی در این نوع احکام وجود نداشت و ما در تبصره‌های سنوات برنامه اول و بودجه‌های سالانه فقط به بانکها تکلیف می‌کردیم و رقمهای قابل توجهی را به آنها تحمیل می‌نمودیم که باید حتماً اعتبارات پرداخت نمایند، این مورد را در برنامه دوم، محدود کرده‌ایم. لازم است به پیشینه این کار هم اشاره‌ای بشود.

در بودجه سال ۷۳ برای اولین بار، با توجه به اینکه کاملاً متأثر از وضعیت نرخ

هم مثبت بوده است. به همین جهت تقویت بانک مرکزی به صورت مستقل در برنامه دوم پیشنهاد شده بود که به این صورت مورد تصویب قرار نگرفت. البته تقویت کردنش به تصویب رسید. این دیدگاه برای کشورهای خوبی خوب و مناسب است که سیستم بانکی آنها خصوصی باشد ولی ما که سیستم بانکی دولتی داریم، بانکهای ما، شرکتهای و مؤسسات، وابسته به دولت هستند و اساساً طبق اصل ۴۴ قانون اساسی، نمی شود و نباید به بخش غیردولتی واگذار شود. بنابراین دولت هم با توجه به مجموعه شرایط نمی تواند بدون تکیه بر این بانکها و بی تکلیف به آنها، اقتصاد مملکت را پیش ببرد. بنابراین باید بپذیریم که حداقل در یکی دو برنامه آینده، بانکها در یک شرایط اضطراری، باید مکلف بشوند. ولی با حداقل تکلیف که در تبصره ۹۰ برنامه دوم این محدودیت را رعایت کرده ایم و ۴۳ هزار میلیارد ریال هم با این حساب، یک عدد واقع بینانه است.

معارض به احکام تکلیفی ما درخصوص اعتبارات بود، برای اولین بار از تکلیف ما اظهار رضایت داشت. شاید برای آنها هم این تکلیف نقطه چندان ایده آلی نباشد ولی به نسبت احکام گذشته، نقطه خوبی برای آنها محسوب شد. ما آمدیم همین نقطه را در برنامه دوم تقویت کردیم و اجازه ندادیم که بیش از ۴۳ هزار میلیارد ریال، مانده بدهیها تغییر پیدا بکند. یعنی دقیقاً همان چیزی که در سال ۷۳ آزمایش کرده بودیم، در برنامه پنجساله تکرار نمودیم. بنابراین من در این قسمت معتقدم که باید جمع بندی ما چنین باشد که در راستای عدم تکلیف، یک کار بسیار مثبت صورت گرفته است. البته از آن طرف هم نباید فراموش کرد که هنوز برای کشور ما که سیستم بانکی، یک سیستم دولتی می باشد و در بخش دولتی قرار دارد و در اصل ۴۴ قانون اساسی به آن تصریح شده، دولت نمی تواند در برنامه ریزیهایش، توجه و تمسکی به منابع اعتباری سیستم بانکی نداشته باشد.

□ مجلس و پژوهش: به عنوان آخرین پرسش، یکی از مشکلات اساسی سیستم بانکی، فقدان سرمایه در حد کفایت است که در سال ۷۱ با پذیرش قاعده تجدید ارزشیابی بانکها، ضریب کفایت سرمایه بانکها افزایش داده شد. بررسیهای انجام شده نشان می دهد که بسیاری از این تجدید ارزشیابیها، با افت بین المللی، نمی تواند به کفایت سرمایه بانکهای ما کمک کند، به نظر

در این مورد دو دیدگاه وجود دارد. یک دیدگاه، هم بر استقلال بانک مرکزی تأکید دارد و هم بر سیستم بانکی. این استقلال در کشورهای دیگر توفیق داشته و عملکردش

تازه‌ای را بر سیستم بانکی تحمیل می‌نماید. زیرا بلافاصله به نسبت تغییر ارقام جدیدی که حاصل ارزشیابی جدید است، مالیات‌ها هم افزوده می‌شود. البته در تجدید ارزیابی بانک ملی، ما این مالیات‌ها را استثنائاً حذف کردیم و برایش تخفیفاتی قائل شدیم. بنابراین بانک‌ها می‌توانند از این سیستم استفاده نمایند و خود را در معرض تجدید ارزیابی قرار بدهند. الان بعضی از کاخ‌ها و ساختمان‌های بزرگ و برج‌های موجود در سطح شهرها، مربوط به بانک‌هاست که آنها باید براساس قیمت روز تقویم و در دفاتر بانک‌ها منعکس شوند، ولی در مورد افزایش سرمایه، به دلیل عدم ضرورت، تبصره ویژه‌ای، جز تقویت بانک مرکزی و تغییر ساختار شورای پول و اعتبار در برنامه گنجانده نشده است.

□ مجلس و پژوهش: سپاسگزاریم
از تمامی برادران و به امید دیدارهای
آینده. بدرود.

□□□

می‌رسد در سالهای برنامه دوم، باید تلاش ویژه‌ای در جهت تجهیز سرمایه در سیستم بانکی صورت بپذیرد. سؤال این است که برنامه دوم از این نظر چگونه برخورد می‌کند؟ آیا توجه شده است عدم کفایت سرمایه در پایین‌تر از حد، می‌تواند به محدود شدن اعتبارات بانکی منجر شود؟ اصولاً چه برنامه‌ای برای حل این مشکل تدبیر شده است؟

آقای دکتر نوبخت: مسأله سرمایه، به خصوص سرمایه ثابت که ارزش املاک هم بخشی در آن است، یکی از مشکلات جدی سیستم بانکی نیز تلقی می‌شود. نباید فراموش بکنیم در کشوری مثل ما که نرخ تورم از رشد شتابانی برخوردار است و ارزش کالاها همراه با زمان، مرتباً از نظر ریالی بیشتر می‌شود، ارزشهای مادی سیستم بانکی را که بخش قابل توجهی از سرمایه و سپرده آنها وابسته به ساختمانهای اداری و شعب آنهاست، با همان تقویم ارقام رسمی و دفتری که مربوط به سنوات گذشته است، برآورد نماییم.

در مجلس دوره سوم، ما صرفاً برای بانک ملی یک تجدید ارزیابی را مجوز دادیم. مجوز صدور تجدید ارزیابی، مطلقاً مشکلی برای ما ندارد، ولی برای بانک‌ها یا هر مؤسسه دیگری که مورد تجدید ارزیابی قرار بگیرد، ایجادگر یک بار مالیاتی جدید براساس ارزشیابی مجدد می‌گردد و بار